

۷۰/۱۳/۷۰
محر

جمهوری اسلامی ایران
سازمان برنامه و بودجه

✓
پروژه مطالعاتی نظام بودجه ریزی کشور
(تشکیلات اداری و مالی)

پیوست شماره سیزده
بررسی و شناسائی ظرفیت مالیاتی کشور



HJ
۲۱۵۴
/۴
۱۹۷۴ ل ف /
پیوست ۵
ش ۱۳
ن ۱۰

جمهوری اسلامی ایران
سازمان برنامه و بودجه

**پروژه مطالعاتی نظام بودجه ریزی کشور
(تشکیلات اداری و مالی)**

**پیوست شماره سیزده
بررسی و شناسائی ظرفیت مالیاتی کشور**

شورای هدایت پروژه

- ایران . وزارت برنامه و بودجه . شورای هدایت پروژه
پروژه مطالعاتی نظام بودجهریزی کشور : تشکیلات اداری و مالی / شورای هدایت پروژه . -
تهران : وزارت برنامه و بودجه ، شورای هدایت پروژه ، ۱۳۶۵ -
ج . : جدول ، نمودار
ناشر متغیر : جلد ۳ -
و پیوستها : سازمان برنامه و بودجه ، مرکز مدارک اقتصادی -
اجتماعی و انتشارات
مندرجات : ج . ۱۰ . ضرورت بازنگري ، مشمول بررسی و حوزه های مطالعاتی . - ج . ۲۰ . طرح کلی
ساختار و سازمان بودجه ای ایران . - ج . ۳۰ . بودجه متوازن : امکان سنجی .
پیوستها : - شماره ۲ . ضوابط گزینش پروژه های عمرانی در بخش
صنعت . - شماره ۳ . بازنشستگی در بخش عمومی . -
- شماره ۶ . ترکیب ، کمیت و کیفیت نیروی انسانی در آموزش
- شماره ۱۳ . بررسی و شناسایی ظرفیت مالیاتی کشور .
۱ . بودجه - ایران . ۲ . امور مالی - حسابداری . ۳ . ایران - سیاست مالی . ۴ . امور مالی -
ایران . الف . سازمان برنامه و بودجه . مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات . ب .
عنوان . ج . عنوان : نظام بودجهریزی کشور : تشکیلات اداری و مالی

سازمان برنامه و بودجه
کتابخانه مرکزی



68171

P.B.O

HJ

۲۱۵۴ HJ ۲۱۵۴/۴/الف ۹۷پ ۴

/۴

۴پ ۹۷الف /

پیوستش ۱۳

۱۰ ن



پروژه مطالعاتی نظام بودجهریزی کشور (تشکیلات اداری و مالی) پیوست شماره ۱۰

بررسی و شناسایی ظرفیت مالیاتی کشور

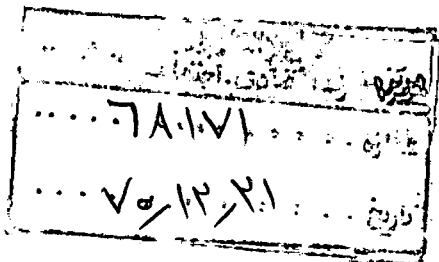
تهیه کننده : شورای هدایت پروژه

ناشر : سازمان برنامه و بودجه ، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات

تیراژ : ۲۵۵ نسخه

چاپ و صحافی : چاپخانه سازمان برنامه و بودجه

همه حقوق برای ناشر محفوظ است .



سازمان برنامه و بودجه
پروژه مطالعاتی نظام بودجه ریزی کشور
(تشکیلات اداری و مالی)

پیوست شماره سیزده
بررسی و شناسائی ظرفیت مالیاتی کشور

شورای هدایت پروژه

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲	پیشگفتار
۳	مقدمه
۱۳	یکم) ظرفیت مالیاتی : حداکثر، حداقل و سطح بهینه
۱۳	الف - حداقل ظرفیت مالیاتی
۱۴	ب - حداکثر ظرفیت مالیاتی
۱۴	ج - ظرفیت بهینه مالیاتی
۱۶	د - ظرفیت نسبی و ظرفیت مطلق مالیاتی
۱۷	ه - تعاریفی از ظرفیت مالیاتی
۱۹	و - اندازه ظرفیت مالیاتی
۲۲	دوم) عوامل تعیین کننده ظرفیت مالیاتی
۲۲	الف - درآمد ملی
۲۳	ب - جمعیت
۲۴	ج - تلقیهای اجتماعی
۲۵	د - سطح زندگی
۲۵	ه - ویژگیهای هزینه عمومی
۲۶	و - الگوی مالیاتی
۲۷	سوم) معیارهای ظرفیت مالیاتی در اقتصاد ایران
۲۷	الف - برآورد درآمد مالیات پذیر
۲۸	ب - تصویر درآمدی ارزش افزوده کشور
۳۴	ج - درآمد مالیات پذیر
۳۶	جداول و نمودارهای پیوست

با زشناسی و تحدید منابع و مصارف در فرا بندگان و تنظیم بودجه کل کشور
حائز اهمیت است. از دیدگاه منابع، اجتماع مجموعه دریا فتهای دولتی و
اطلاق عنوان در آمد عمومی بر آنها با توجه به تعدد انواع و ماهیتهای متفاوت،
می تواند کاملاً گمراه کننده باشد. طبقه بندیهای معمول در بخش در آمد های دولت
به منزله تخصیص آن به هزینه های مشخص نیست و در وضعیت کنونی، دریا فتهای
از محل تبدیل سرمایه ها، در آمد های مالیاتی، وجوه توزیعی و غیره بدون آن که
تعاریف قانونی و لازم الرعایه ای برای تخصیص داشته باشند، تحت عنوان
"در آمد های عمومی دولت" در بودجه منظور می شوند. از دیدگاه مصارف نیز موضوع به
همین ترتیب قابل بحث است و مجموع هزینه های دولت اعم از جاری، عمرانی،
توزیعی، کمکهای خاص یا سایر هزینه ها فارغ از حدود امکان در آمد های مرتبط
بر آورد گردیده و از محل منابع تامین می شوند. حداقل تأثیر سوء این تداخل را
بصورت مشکلات مربوط به تخصیص بهینه منابع می توان مطرح نمود.

بررسی ظرفیت مالیاتی کشور که در موقعیت بالقوه خود یکی از مهمترین و
قابل اتکاء ترین منابع درآمدی بخش عمومی است، می تواند به عنوان گام
نخست در ارتقای تفکیک منابع مورد بحث باشد. لازم به یاد آوری است که تأکید
بر ظرفیتهای کمی و بالقوه مالیاتی در این گزارش بهیچروی بمنزله نادیده
گرفتن ابعاد اجتماعی و فرهنگی و بطور کلی تأثیر و اهمیت تلقیهای ارزشی حاکم
در این امر نخواهد بود.

گزارش حاضر را خانم ناهید حکمی امفانی و آقایان دکتر حسین عظیمی و
هوشیار فتحعلی و مسعود محمدی تهیه و تنظیم کرده اند و مسئولیت هماهنگی آن با
شورای هدایت پروژه بر عهده آقای دکتر حسین عظیمی بوده است.

بحث ظرفیت مالیاتی که در این گزارش بطور مفصل مطرح می شود، بدنبال روشن کردن این مسائل است که بر حسب ضوابط معقول چه میزان از تولید ناخالص ملی را می توان به عنوان مالیات وصول کرد. آنچه که فعلا وصول می شود چه درصدی از این ظرفیت است. برای نیل به ظرفیت بهینه مالیاتی چه گروههایی باید مورد توجه قرار گیرند و بالاخره، آیا نظام مالیاتی حاضری تواند به این ظرفیت تحقق بخشد و اگر نمی تواند کاستیهای آن چیست و چه تمهیداتی برای تحقق این ظرفیت باید فراهم کرد؟ ولی فعلا باید دید که منظور از مالیات چیست؟ مالیات در این مطالعه، هر نوع برداشتی است، که توسط دولت یا سازمانهای دولتی بهر مناسبت صورت می گیرد، اعم از آنکه تحت نام مالیات طبقه بندی شده باشد یا غیر آن. زیرا اهداف اصلی این بررسی تعیین تفاوت میزان واقعی برداشت دولت از منابع غیر دولتی و سطح بهینه ظرفیت مالیاتی است و برای مودی مالیاتی فرقی نمیکنند، این برداشت تحت چه عنوانی از درآمد و صورت گرفته است. به عبارت دیگر منظور از مالیات در این بحث، مالیات بمعنای وسیع کلمه است و نه آنچه در قوانین بودجه بعنوان عملکرد مالیات مضبوط است.

ساختار ترکیب درآمد عمومی دولت، لاقلا تا حال حاضر، مبین تاثیر پذیری مستقیم و غیر مستقیم آن از درآمد های نفتی است. درآمد های دولت از محل صادرات نفت تحت تاثیر عوامل متعددی است که به تبعیت از شرایط جهانی تغییر می کند و کوشش دولت در نیل به سطح بهینه ای از درآمد های نفتی در مواجه با مجموعه هماهنگ این شرایط، لاقلا تا حال حاضر به نتایج مطلوب نینجامیده است. بنا بر این با توجه به ضرورت تامین درآمد های

عمومی دولت از محل قابل اطمینان و قابل حصول و جایگزینی تدریجی ولی مطمئن آن با درآمدهای نفتی بمنظور کاهش سطح تاثیرپذیری از عوامل برونزا، بررسی ظرفیت مالیاتی در نظام اقتصادی ما اهمیت خاصی می یابد.

معدالک اهمیت بحث ظرفیت مالیاتی مستقل از شرایط و پیوسته اقتصادی کشورما، در هر نظام اقتصادی قائم به ذات بوده و از اصول عدالت مالیاتی مطرح می شود و در ادبیات اقتصادی نیز از این زاویه مورد توجه قرار می گیرد. در واقع در این بحث از حیث نظری هدف آنست که با شناخت حتی المقدور درست از توان پرداخت گروههای مختلف درآمدی اخذ مالیات از هر گروه مودی مالیاتی بر حسب این توان صورت گیرد و وضع مالیاتهای جدید یا تغییر ضرایب مالیاتی متناسب با تغییرات پایه های مالیاتی صورت پذیرد. بنابراین شناخت از منابع مالیاتی، پیش فرض ضروری تحقق ظرفیت مالیاتی در جهت اعمال عدالت مالیاتی است. حال اگر در این مسیر اهداف دیگری نیز خود بخود تحقق پذیرد مصداق این بیست مولانا ست که:

هر که کار دقصد کند مبادش کاه خود اندر تبع می آیدش

بهر تقدیر، مسئله برآورد ظرفیت مالیاتی ایران از هر زاویه نگریسته شود، حائز اهمیت بسیار است. اهمیت این بررسی بخصوص پس از جنگ تحمیلی، فشار هزینه های غیر قابل اجتناب از طرفی و عدم اطمینان از ثبات و استمرار درآمدهای نفتی در سطح رفع نیاز و نیاز جدی به مقابله با کسربودجه تجمعی از طرف دیگر، دوچندان شده است. هم به این مناسبت است که اغلب مطالعات، بخصوص تکنگاریهای تحقیقی در این زمینه، در سالهای اخیر صورت گرفته است.

بدیهی است که بحث نظری ظرفیت مالیاتی جدا از ضرورت فعلی آن در اقتصاد ما، بخشی از ادبیات اقتصادی بویژه در متن مالیه عمومی است. به این لحاظ در تالیفات مالیه عمومی به زبان فارسی نیازی علی الاصول بایده مقوله ظرفیت مالیاتی حداقل در مباحث نظری آن اشاراتی رفته باشد. معذالک همانطور که در شروع این بررسی خواهیم دید، این اشارات در مواردی که موجود است، اولاً معدود بوده و ثانیاً مستوفی نیست. به همین لحاظ در مقدمه، ضمن اشاره به سابقه مطالعه در زمینه ظرفیت مالیاتی، ما حاصل گفته های محققین فارسی زبان را در تالیفات ایشان در این مورد به اجمال ذکر خواهیم کرد، تا خواننده از نوشتارهای قبلی موجود به طول و عرض و حدود و ثغور مسأله واقف گردد.

عطف توجه به موضوع ظرفیت مالیاتی در شرایط حالیه اقتصاد کشور، علاوه بر همه موارد مطرحه قبلی از ضرورت تمیز منابع درآمدی مالیات پذیر بمنظور دستیابی به پایههای مالیاتی حقه در جهت تامین درآمدهای دولت از منابع قابل حصول نیز برمی خیزد، و این نکته خود موجد تلویحی این امر است که از منابع مالیاتی خارج از کنترل نظام مالیاتی، حقوق حقه دولت وصول نگشته و عیبارتی رعایت عدالت مالیاتی نشده است. عملکرد نظام مالیاتی کشور ما بهترین برهان برایین مدعا است، که مالیات در اغلب موارد تا آنجا وصول شده که مودی بهر مناسبت در نقطه ای از مسیر حرکت اقتصادی خود به اجبار از گذرگاه دستگاه اجرایی نظام مالیاتی گذر کرده است. و با لطمه آنهایی که این گذرگاه را دور زده اند، از پرداخت دیون قانونی خود طفره رفته و دستگاه اجرایی نیز از وجود آنها بی خبر مانده و یا توان اعمال تکالیف قانونی خود نسبت به اینگونه مودیگان را نداشته است. از این رو اغلب، تنها آندسته از مودیان مالیات خود

را تمام و کمال پرداخته‌اند، که این مالیات را قبل از دریافت حقوق ما هانه خود از آنها برداشت کرده اند و به عبارت دیگر، مالیات این قبیل مودیان خود بخود پرداخت می شود و هیچ زحمتی از این بابت متوجه دستگاه اجرائی نمی گردد و این به آن معناست که برای وصول مالیات بخش قابل توجهی از مودیان - گروههای مختلف مودی بر حسب تقسیم بندی موجود بوده‌ای، از مالیات غیر مستقیم گرفته تا بسیاری از اقلام مالیات مستقیم - کوشش مالیاتی خاصی صورت نمی گیرد. نتیجه آنکه زبانتا نیل‌های مالیاتی آن بخش از مودیان که نظام مالیاتی کشور اشراف ملموسی بر آن ندارد حقوق حقه دولت وصول نگردیده است و از این نظر، تفاوت بین ظرفیت بالقوه مالیاتی کشور و ظرفیت بالفعل آن بسیار قابل ملاحظه است که با تجهیز دستگاه مالیاتی و افزایش کوشش مالیاتی و متناسب با این کوشش از این فاصله می توان کاست. در بحث مفصل ترکیب مالیاتی (منابع) دولت در صفحات آینده برای مسائل تامل بیشتری خواهد شد، مع الوصف در این موقعیت گذرا اشاره می شود، که در حداقل سالهای ۱۳۶۴ - ۱۳۵۸ بطور متوسط فقط ۲۰ درصد درآمدهای مالیاتی از طریق کوشش مالیاتی وصول شده است و مابقی، از مجاری طبیعی و مکانیسمهای موجود از طریق چرخش کار به خزانه دولت پرداخت شده و مودی جز پرداخت چاره‌ای نداشته است. این خود ما را به مشخصه دیگری درآمدهای مالیاتی رهنمون می گردد و آن امکانات بالقوه موجودی است که در صورت بذل توجه به این منابع، هم عدالت مالیاتی در عمل تحقق می یابد و هم از دولت در زمینه‌های هزینه‌های لاعلاج رفع نیازی گردد.

به این ترتیب، از هم اکنون روش‌شناسی این بررسی و زمینه‌های بحث در کلیات خود مشخص است. در تحقیق حاضر، در بدو امر

به‌ماخذ فارسی ادبیات اقتصادی ذریبط اشاره خواهد شد و اگر متضمن بحثی نیز در زمینه ظرفیت مالیاتی باشد به اجمال این بحث اراشد خواهد شد . سپس بحث نظری و مبانی تئوریک ظرفیت مالیاتی مطرح خواهد شد .

تالیفات فارسی ادبیات اقتصادی در زمینه ظرفیت مالیاتی را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد . دسته اول ، تالیفات عام مالیه یا اقتصاد مالیه عمومی ، که منطقا باید مسئله ظرفیت مالیاتی را مورد توجه قرار داده باشند . معذالک این توجه برای مولف تکلیف نیست و هر یک بر حسب ضرورت این مقوله در بسط طبیعی بحث خود ، به فراخور مطالبه آن برخورد کرده یا از آن در گذشته‌اند . دسته دوم از مطالعات ، مونوگرافیه یا تنگ‌نگاریها ئی است که موضوع آنها با لاص ظرفیت مالیاتی و یا عمدتا ظرفیت مالیاتی است . این بررسیها ، بالضرورة باید توجه خود را به موضوع خاص ظرفیت مالیاتی معطوف داشته باشند . با اینحال در این بررسیها نیز بحث نظری مبانی ظرفیت مالیاتی ممکن است مطرح نشده یا گسترش لازم را نیافته باشد . علت آن هر چه باشد - از جمله شتاب در تهیه گزارش برای رفع نیاز مطروحه در لحظه تهیه آن - تردیدی نیست تا این بحث بطور مستوفی صورت نگیرد ، معلوم نخواهد شد که ظرفیت مالیاتی چیست و یا برای محقق کدام معنی (در صورت تعدد تعاریف یا عدم وحدت ماحینظران در ارائه تعریفی واحد) مبنای سنجش و برآورد ظرفیت مالیاتی قرار خواهد گرفت . بررسیهای دسته دوم ، اگر نه تما م اکثریت قریب به تمام آنها به علت اهمیت فوق العاده مسئله در سالهای اخیر ، پس از حصر اقتصادی و جنسگ تحمیلی صورت گرفته است . در این مرحله از بررسی ، طرح هر دو دسته تالیف صرفا از این زاویه ، یعنی کندوکاو در زمینه بحث نظری مقوله ظرفیت مالیاتی مطرح است .

(الف) تالیفات کلی در زمینه مالیه عمومی :

۱- دکتر حسین پیرنیسا

" مالیه عمومی ، مالیاتها و بودجه " چاپ هشتم ۱۳۵۵ ، انتشارات امیرکبیر .

۲- دکتر منوچهر فرهنگ " فرهنگ علوم اقتصاد - انگلیسی - فارسی " چاپ چهارم سال ۱۳۶۳ ، انتشارات آزاده .

۳- دکتر منوچهر زندی حقیقی " اقتصاد مالیه عمومی " چاپ چهارم ۱۳۴۷ ، انتشارات آذر .

۴- دکتر ابوطالب مهندس " مالیه عمومی " چاپ سوم ۱۳۵۶ ، انتشارات کتابخانه فروردین .

۵- دکتر منوچهر تهرانی " سیاست مالی و رشد اقتصاد " چاپ اول ۱۳۵۱ ، انتشارات موسسه عالی حسابداری .

۶- دکتر منوچهر زندی حقیقی " مالیه عمومی ، بودجه و خزانه " چاپ اول ۱۳۴۵ ، انتشارات دانشگاه تهران .

۷- دکتر عبدالله جیروند " برداشتی از مالیه عمومی جدید " چاپ اول ، تابستان ۱۳۶۶ ، انتشارات مولوی .

درفهرست فوق ، تالیف شماره یک به مسئله ظرفیت مالیاتسی
نپرداخته است و بنا براین تعریفی نیز از آن نیامده است . دکتر منوچهر
فرهنگ در فرهنگ علوم اقتصاد (تالیف شماره ۲) صفحه ۱۲۷۴ ، ظرفیت
مالیاتی را اینطور تعریف کرده است : " ظرفیت مالیاتی عبارت است
از میزان مالیاتی که مردم می توانند بپردازند و حدبینه آن حدی است که
جهت تعادل سیستم ضروری است و تجاوز از آن باعث بروز مشکلات اقتصادی

درسیستم می گردد". دکتر منوچهر زندی حقیقی در تالیف شماره ۳، صفحه ۷۴ در تعریف ظرفیت مالیاتی درآمدی: "ظرفیت مالیاتی درآمدی عبارتست از توانائی مالی درآمدی در ایجاد درآمدهای مالیاتی". در تالیف شماره ۴ (دکتر ابوظالب مهندس) نیز از ظرفیت مالیاتی تعریفی بدست داده نشده، ولی در تالیف آقای دکتر منوچهر تهرانی "سیاست مالی و رشد اقتصادی" اگرچه از ظرفیت مالیاتی تعریفی ارائه نگشته است، ولی تحت عنوان "سطح مالیات گیری در اقتصادهای روبه رشد" (صفحه ۲۶۹) به برخی عوامل موثر در افزایش ظرفیت مالیاتی اشاره رفته است: "... بنظر بسیاری از متخصصان مالی، ممالک کم رشد توانائی آنها دارند، که سهمی از تولید ملی ناویژه خود را، که با تحمیل مالیاتها برداشت شده افزایش دهند بی آنکه وضع کلی اقتصاد به مخاطره افتد، ولی خدمت مناسب این برداشت تا چه اندازه است بستگی به عواملی چون همیاری مردم و قدرت و کفایت نظام مالیاتی و وضعیت کلی اقتصادی کشور... دارد". در آثار ارائه شده تحت شماره های ۶ و ۷ نیز ظرفیت مالیاتی مورد بحث قرار نگرفته است.

در بحث تفصیلی از ظرفیت مالیاتی، نظرات یا تعاریف فوق مورد تحلیل قرار خواهد گرفت. عجلتا عطف توجه خواننده به قلت منابع موجود و معرفی منابع به زبان فارسی مطرح است. بر منابع عمومی مالیه عمومی تک نگاریها و یا مجموعه مطالعات اخیر در زمینه های مختلف مالیاتی را باید اضافه کرد، تا به مجموعه ادبیات اقتصادی در زمینه مالیاتها — اشاره ای نسبتا شامل شده باشد.

(ب) تالیفات در زمینه خاص مالیاتها:

۱- اکبر مهدی پور. "تحلیلی بر نظام

مالیاتی کشور" سازمان برنامه و بودجه استان اصفهان، اسفند ۱۳۶۴.

۲- مجموعه مقالات تحقیقی درباره مالیاتها . مقاله : " نسبت مالیاتی ، ظرفیت مالیاتی و کوشش مالیاتی " وزارت برنامہ و بودجه ، معاونت امور اقتصادی ، آذرماه ۱۳۶۴ .

۳- معاونت امور اقتصادی و بین المللی وزارت امور اقتصادی و دارائی . تحلیل اقتصادی به " پیش نویس قانون مالیاتهای مستقیم " بهمن ماه ۱۳۶۲ .

۴- معاونت امور اقتصادی و بین المللی وزارت امور اقتصادی و دارائی . دفتر مطالعات و تحقیقات مالیاتی " برآورد ظرفیت مالیاتی کل کشور " .

۵- حسین عظیمی . " ظرفیت بالقوه مالیاتی در بخش خدمات غیر دولتی در طی سالهای پس از جنگ تحمیلی " مهرماه ۱۳۶۵ ، دفتر اقتصاد کلان ، وزارت برنامہ و بودجه .

در این مجموعه نیز ، گزارش اول (اکبر مهدی پور) ظرفیتهای مالیاتی کشور را همان ظرفیت اقتصادی کشور در تحمل مالیات تعریف کرده است . در مقاله " ظرفیت مالیاتی ، کوشش مالیاتی " آمده است که : " ظرفیت مالیاتی به سطحی از مالیات اطلاق می گردد ، که در آن پایه مالیاتی باشد متوسطی بکار گرفته شده باشد " (صفحه ۲) . و بالاخره در تحلیل اقتصادی به " پیش نویس " قانون مالیاتهای مستقیم آمده است که : " برای ظرفیت مالیاتی تعریف مطلق و قابل قبول همه ما حین نظران اقتصادی وجود ندارد . دو معیار زیر از جمله معیارهای عمده ای است که در کشورهای مختلف مورد استفاده قرار می گیرد :

— نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی (GDP) .

— نسبت هزینه‌های دولت (جاری و عمرانی) به تولید ناخالص

داخلی .

ملاحظه می شود که تعاریف فوق علیرغم قلت ، وحدت نظر ندارند و از ویژگیهای این مجموعه تعاریف ابهام و کلی گوئی آنهاست . " میزان مالیاتی که مردم می توانند بپردازند " رقم واحدی نبوده و تحت تاثیر عوامل متعدد ، ارقام پیشنهادی قابل استحصال است . بهمین مناسبت برای آن نیز حدبینه تعریف شده است و این حد نیز لااقل از دقت نسبی هم برخوردار نیست : " حدبینه آن حدی است که جهت تعادل سیستم ضروری است و تجاوز آن باعث بروز مشکلات اقتصادی در سیستم می گردد . " زیرا تعادل سیستم نیز از مرتبه تعریف شده ای نیست و مرز ظهور مشکلات نیز ملموس نیست ، از این رو بر حسب این تعریف شرایط خاص هر نظام اقتصادی ، هدف گذاری مقامات سیاسی ، کارآئی نظام اجرائی و مجموعه ای از عوامل دیگر در تعیین ظرفیت مالیاتی ذی‌مخولند و این خود سهم عامل خودسرانه را در تعریف ظرفیت مالیاتی افزایش می دهد . این واقعیت ، که در شرایط متعارف و غیر متعارف و برای مثال جنگ ، ارقام متفاوتی بعنوان مالیات وصول می شود ، موید آنست که ظرفیت مالیاتی مجرد از نیازها ، اهداف و محدودیتها ، تعریف پذیر نیست و بر حسب برآیند تاثیرات این عوامل ، عملکرد ظرفیت مالیاتی در یک نظام اقتصادی می تواند متفاوت باشد . نکته اصلی در بحث ظرفیت مالیاتی نیز تعیین سطح بهینه ظرفیت مالیاتی است و مراد از آن نیز سطح برداشتی از منابع مالیاتی است که به‌اهم این عوامل نظر داشته و در طول المدت امکان بهره برداری هر چه درست تر از این منابع را نیز فراهم سازد . بنا بر این در بحث ظرفیت مالیاتی دودسته پا را متسر مطرح است . دسته اول عواملی که در هر لحظه مستقل از تاثیرگذاری

فاکتورهای القائی (اهداف، نیازها و سیاست‌گذاریهای مقامات مسئول) پایه مالیاتی را تشکیل می‌دهند و دسته دوم عواملی که در حجم و ساختار مالیاتی تاثیرگذارده و مع الواسطه این تاثیرات در تغییرات پایسته مالیاتی در طول المدت موثر واقع می‌گردند. این عوامل (فاکتورهای القائی) اگرهم آهنگ و سازگارترکیب شوند به گزینه‌ای از ضرایب مالیاتی بتفکیک مآخذ تعلق پایه مالیاتی منجر خواهند شد و اعمال آنها بر پایه مالیاتی نیز به تحقق ظرفیت بهینه مالیاتی منجر خواهد شد.

از آنچه که تا کنون در زمینه ظرفیت مالیاتی آمد، طرح مقولات زیر به ترتیب، به عنوان رئوس مطالب قابل بحث، ضروری می‌نماید:

یکم - ظرفیت مالیاتی: حداکثر، حداقل و سطح بهینه آن.

دوم - عوامل تعیین کننده ظرفیت مالیاتی.

سوم - معیارهای ظرفیت مالیاتی در اقتصا د ایران.

یکم

ظرفیت مالیاتی: حداکثر، حداقل و سطح بهینه آن

الف) حداقل ظرفیت مالیاتی:

حداقل ظرفیت مالیاتی صفر است^۱. کافی است، بهر علت مالیاتی وصول نشود، مستقل از آنکه انگیزه چه باشد، بی نیازی نظام اقتصادی، یا عدم توانایی پرداخت مودیان که هر دو فروضی نادرست. چنین حالتی با حداقل ظرفیت مالیاتی تطبیق پیدا می کند. این مفهوم را با تطابق وضعیت در حالت حداقل ظرفیت بالفعل و بالقوه مالیاتی و مقایسه آنها به ترمی توان ارزیابی کرد. طبیعی است که بین عدم توان پرداخت مالیات یا عدم ضرورت وصول آن، اگر چه حاصل هر دو یکی است، در معنا تفاوت وجود دارد. در حالت نخست ظرفیت بالقوه مالیاتی چنین جا مع فرضی صفر و در حالت دوم غیر صفر است. معذالک در هر دو حالت رقمی بعنوان مالیات وصول نمی شود. تلقی ما از ظرفیت بالقوه و بالفعل مالیاتی، تعمیم این مفهوم در سطح جا مع مستقل از سطح حداقل ظرفیت مالیاتی است، اگر چه در ادبیات اقتصادی بخش مالیه عمومی بحث مشبعی از تمایز ظرفیت بالفعل و بالقوه مالیاتی وجود ندارد. در ادامه بحث خواهیم دید که شاید تفکیک این دو مورد، با توجه به تعریف ظرفیت حداکثر یا حداکثر ظرفیت مالیاتی نیز چندان دقیق یا لااقل ضروری نباشد، زیرا حداکثر ظرفیت مالیاتی را به تعبیری می توان ظرفیت بالقوه مالیاتی در همان جا مع دانست. به این بحث باز خواهیم گشت.

ب) حداکثر ظرفیت مالیاتی:

را می توان بیشترین مبلغی دانست که مقامات دولتی و مسئولین کشوری هر کشوری توانمند تحصیل نمایند^۲. به این ترتیب ضابطه ای در بخش توان اجرائی از ظرفی و برآورد ظرفیت بالقوه مالیاتی نمی توان بدست آورد. چطور می توان دریافت که مبلغ دریافت شده بیشترین مبلغ ممکن است؟ میزان وصول شده همان حداکثر میزانی است که با تجهیز امکانات می توان برداشت کرد؟ در تعریف یاد شده بیشترین مبلغ قابل وصول به توان نظام اقتصادی بطور اعم و توان دستگاه اجرائی بطور اخص با زمی گردد و این توانائی از طریق قانون و مکانیسمهای اجرائی تحقق می یابد و مجموعه فاکتورهای یاد شده در هر لحظه ضمن آنکه تعیین کننده است قابل تغییر نیز هست. از این رو حداکثر حجم مالیات قابل استحصال در هر لحظه با بیشترین میزان وصول شده آن در همان مقطع زمانی را دو مقوله متفاوت می توان تلقی کرد، نخستین را می توان ظرفیت بالقوه مالیاتی و دومی را حداکثر ظرفیت بالفعل مالیاتی نامید.

ج) ظرفیت بهینه مالیاتی:

ظرفیتی است که در آن سطح، بدون کاهش سطح زندگی مردم، درآمد دولت نیز حداکثر گردد^۳ و غایت نظام مالیاتی افزایش سطح این ظرفیت بهینه است. بنابراین با دو مفهوم مواجه هستیم و حداکثر کردن ظرفیت بهینه با حداکثر ظرفیت مالیاتی دو مقوله

۲- همان ماخذ صفحه ۷۵

۳- همان ماخذ صفحه ۷۵

متفاوت است. در رسیدن به سطح بهینه ظرفیت مالیاتی هم در آمدن دولتی ملحوظ نظر است و هم تحکیم و تقویت پایه های مولد اقتصادی کشور. در این سطح، جریان درآمد دولت در طول المدت و نیل به اهداف مشخص اقتصادی بلند مدت هر دو با هم دیده می شود و حال آنکه صرف وصول حداکثر مقیدار ممکن (حداکثر ظرفیت مالیاتی)، این آینده نگری در سلامت اقتصادی و بازسازی منابع مولد ثروت، درآمد و تقویت شالوده های تولیدی و اقتصادی را الزاماً مدنظر قرار نمی دهد و بنا بر این، می تواند بی توجه به نکات یاد شده در مقاطع کوتاه مدت عملی گردد. اخذ مالیات به اضطراب توجه به شرایط غیر متعارف جامعه (جنگ بعنوان مثال) نمونه کوشش مالیاتی حداکثر، در حداکثر کردن میزان برداشت از منابع مالیاتی است. طبیعتاً تحمیل مخارج جنگ، ملاحظات آنی خاص خود را در حداکثر کردن میزان وصول، اولیتر بر ملاحظات بهینه سازی طول المدت قرار می دهد. مع الوصف اگر وصول حداکثر ظرفیت مالیاتی در اوضاع غیر متعارف رفتار طبیعی است و در اقتران جنگ یا موارد مشابه همه چیز از جمله توان مالیاتی جامعه در خدمت آن قرار می گیرد، در شرایط معمولی تحول جامعه، برداشت بهینه از ظرفیت مالیاتی مطرح است. از این رو در بحث ظرفیت مالیاتی، ظرفیت بهینه مالیاتی و ترسیم عملی ضوابط آن نقطه مرکزی و کانون توجه هر نظام مالیاتی و در این مطالعه هدف اصلی است. بهمین مناسبت پس از طرح تعریف ظرفیت مالیاتی و بحث عناصر تشکیل دهنده آن، ترسیم ظرفیت بهینه مالیاتی و سعی در تعیین ثغور آن در مورد اقتصاد کشور و نیز تعیین ضوابط ظرفیت بهینه مالیاتی گام اصلی بررسی حاضر را تشکیل می دهد.

تعاریف یاد شده، ما را به ایده های کم و بیش روشنی از زمینه های

برآورد کمی ظرفیت مالیاتی یک کشور نزدیک می کند که بر اساس آنها می توان به تعریف معیارهای دست زد، که مقایسه دیرکمی ظرفیت مالیاتی یک کشور بر حسب آنها قابل محاسبه باشد، معذالک این ضوابط فقط در مورد یک کشور کاربرد عملی خواهد داشت و در مطالعات تطبیقی ظرفیت مالیاتی بکار نمی آید. بررسی تطبیقی مورد اشاره نیا ز به تعاریف دیگر و طرح مفهومی دیگر دارد.

د) ظرفیت نسبی و ظرفیت مطلق مالیاتی:

ظرفیت نسبی مالیاتی یک کشور در مقایسه با کشور دیگر معنا پیدا می کند. در مقایسه دو کشور از حیث ظرفیت مالیاتی، این مفهوم (ظرفیت نسبی) مطرح است. اگر ظرفیت مالیاتی کشوری دو برابر ظرفیت مالیاتی کشور دیگر باشد، ظرفیت نسبی مالیاتی کشور اول دو برابر کشور دوم و نسبت ظرفیت مالیاتی کشور دوم (ظرفیت نسبی مالیاتی آن) $\frac{1}{2}$ ظرفیت مالیاتی کشور اول است. اگر مقایسه ظرفیت مالیاتی بیش از دو کشور مطرح باشد، ظرفیت مالیاتی هر کشور را می توان با ظرفیت مالیاتی یک کشور خاص مقایسه کرد. ارقام بدست آمده امکان مقایسه کشورهای تحت بررسی را بست می دهد. به این وسیله بطور قطع می توان گفت که ظرفیت مالیاتی یک کشور ثروتمند از ظرفیت مالیاتی کشوری فقیر بیشتر است. این مقایسه تطبیقی را در مورد بخشهای مختلف فعالیت اقتصادی، یا گروههای حرفه ای - درآمدی هر جامعه نیز می توان بکاربرد. بدیهی است که میزان مالیات و صولی از بخشهای مختلف و گروههای حرفه ای درآمدی باید با ظرفیت مالیاتی و توانائی آنها در پرداخت مالیات متناسب باشد.

ظرفیت مطلق مالیاتی، برعکس، بی توجه به کشور دیگر به ظرفیت

مالیات تنها یک کشور ندارد. تلفیق مفاهیم ظرفیت نسبی مالیاتی و حداقل، حداکثر ظرفیت بهینه مالیاتی به مفاهیم حداقل، حداکثر ظرفیت بهینه نسبی مالیاتی می انجامد. حداکثر ظرفیت نسبی مالیاتی یک کشور، نسبت حداکثر ظرفیت مالیاتی آن کشور به همین ظرفیت از کشور دیگر است. همینطور است در مورد سایر مفاهیم نسبی مالیاتی.

در صفحات قبل با مجموعه‌ای از مفاهیم آشنا شدیم و ضوابط سنجش ظرفیت مالیاتی نه تنها یک کشور، بلکه مجموعه‌ای از کشورها بدست داده شد. اکنون ضمن ارائه تعاریف ظرفیت مالیاتی، بحث ما حینظران در این تعریف نیز بدنبال خواهد آمد و با آنها به سعی خواهد شد تعریف مقبولی بدست داده شود.

ه) تعاریفی از ظرفیت مالیاتی:

درست‌تر قبل دیدیم که برای ظرفیت مالیاتی تعریف واحد وجود ندارد و مجموعه‌ای از تعاریف مطرح است. علت تعدد تعاریف مکتب ما حینظران مسائل مالیاتی و سیاست مالی بر جنبه‌های متفاوت موضوع است. لرد Josiah Stamp، ظرفیت مطلق مالیاتی را حداکثر مبلغی می‌داند که شهروندان یک کشور، در تامین هزینه‌های عمومی، می‌توانند پرداخت نمایند، مشروط بر آنکه "در زندگی مردم اثر واقعاً سوئی برج نگذارد و سازمان تولید را مختل نسازد"^۴ مانکار بر آن است که این تعریف برای ظرفیت مطلق بهینه مالیاتی بیشتر مناسب است تا حداکثر آن. پروفیسور اف. شیراس F. Shirras، ظرفیت مالیاتی را "ما به التفاوت کل تولید از حداقل مصرف ضروری برای تولید همان حجم تولید می‌داند، مشروط بر آنکه استاندار سطح زندگی تغییر نکرده و بدون تغییر باقی ماند"^۵.

" ملاحظه می شود که در تعاریف یاد شده عنصری از خود مختاری و سلیقه شخصی وجود دارد و به عبارت دیگر هر تعریف ناظر به چیزی است و اگر هم مقوله واحدی را تعریف می کنند، نیت واحدی دارند و اصولاً هیچ ضابطه ای رجحان این تعریف به آن را بدست نمی دهد. در تعریف Josiah به حداکثر مبلغی که شهروندان می توانند پرداخت کنند و در تعریف Shirras به ما به التفاوت حداقل هزینه زکل تولید اشاره رفته است که این دو مفهوم یکی نیست و معیارهای کمی هریک نیز نا معلوم است. انتقاداتی نیز که برای این تعاریف داده شده در همین حد است و بیشتر سلیقه ای است. مانکار می بویسد نظریه اینکه در تعریف شیراس حفظ استاندارد سطح زندگی مطرح است، تعریف وی از ظرفیت مالیاتی را نه حداکثر بلکه ظرفیتی بین ظرفیت حداکثر و ظرفیت بهینه مالیاتی باید تلقی کرد. دالتون کلاً یکنگونه موشکافیها را غیر ضروری و سرچشمه ابهام می داند. Josiah برای رهایی از افراط و تفریط شیراس و دالتون دو تعریف از ظرفیت مالیاتی ارائه داده است، که به یکی از آنها در صفحات قبل اشاره رفت. در تعریف دیگری از ظرفیت مالیاتی آورده است:

" ظرفیت مالیاتی، تفاوت کل تولید و مبلغ لازم برای حفظ مردم در سطح گذران زندگی است " یعنی

ظرفیت مالیاتی = کل حجم تولید - کل مبلغ لازم برای گذران زندگی

براین تعریف نیز ایرادات متعددی وارد است و مشکلات چندی را برمی انگیزد. اگر توجه داشته باشیم که ظرفیت مالیاتی بر حسب هر تعریفی سرانجام بایدها رقم و عدد مشخص گردد و هدف از همه مباحثات تعیین سطح کمی ظرفیت مالیاتی است با اولین مشکل مواجه می گردیم. در تعریف فوق اگر چه تعیین مقدار حجم تولیدی عملی است، مبلغ لازم برای گذران

زندگی مردم را نمی توان بطور منقح بدست آورد، مگر با پیش فرضهای متعدد. علت این است که سطح گذران زندگی در هر زمان و در همه مکانها مقولست و واحدی نبوده، در کشوری چیزی و در جای دیگر چیز دیگری است و توجه به گروههای درآمد در هر کشور نیز قابل بحث می نماید.

با توجه به مباحث انجام شده بنظر می رسد مبنای هر تخمین عملی در تعیین ظرفیت مالیاتی، تعریف ظرفیت بهینه مالیاتی است، بنحوی که عملکرد بهینه نظام مالیاتی و افزایش وصولی درآمدهای مالیاتی دولت با افت توان تولیدی کشور و به هزینه آن صورت نگیرد. این نکته در بررسی از کشورها، که مسئله ظرفیت مالیاتی مطرح است مبنای کار قرار گرفته است. گزارش کمیسیون بررسی مالیاتی هند ظرفیت مالیاتی را در ارتباط با سطح مالیات بندی می بیند و فراتر از آن حد را که کوششهای تولیدی و کارآئی نظام اقتصادی را در آستانه ضربه پذیری قرار می دهد صواب نمی داند.

(و) اندازه ظرفیت مالیاتی:

ملاحظه شد که ظرفیت مالیاتی وابسته به برخی عوامل است که تعیین سطح کمی تمام می آنها اغلب با مشکلات بسیار همراه است. از این رو کمی کردن سطح ظرفیت مالیاتی هر کشور با توجه به فاکتورهای عمده تعیین کننده ظرفیت مالیاتی در آن کشور و اهداف، ایده آلها، امکانات بالفعل و بالقوه آن کشور با دید صورت پذیرد. معذالک، تنوع مسائل مطروحه و عوامل ذی اثر در میزان سطح ظرفیت مالیاتی و تاثیر عوامل شاخص هر کشور در تعیین این سطح، مانع از این نگشته است که کوششی در این زمینه صورت نپذیرد. کولین کلارک^۶ Colin Clark در

6- Colin Clark: "Welfare and Taxation" in Economic Journal 1945 . P. 78

مطالعات خود به این نتیجه رسیده است، که ظرفیت مالیاتی اغلب کشورها بیش از ۲۵ درصد درآمد ملی آنها نیست. وی می نویسد: "حد بالای بهینه مالیاتی ۲۵ درصد تولید ملی است." تجا و زاین سطح از درآمد ملی در وصول مالیات می تواند در اقتصاد ملی اثرات و گونه برجای گذارد. بنظر وی این آثار به این شرح است که اولاً، اشتیاق مردم را به کار تحت تاثیر قراردادها، تولید را بطئی کرده و موجبات کاهش درآمد ملی را فراهم می آورد. ثانیاً سطح بالای اخذ مالیات، در تشکیل پس انداز ملی اثرات و گونه برجای می گذارد. اگر مالیات بخش قابل توجهی از درآمد مردم را بخود اختصاص دهد، تمایل به پس انداز کاهش می یابد و پس انداز خانوارها و شرکتها بشکل قابل ملاحظه ای تقلیل می یابد و بدنبال آن از سرمایه گذاری، تشکیل سرمایه و سرانجام درآمد ملی کاسته می گردد، مضافاً آنکه در چنین حالتی (وصول بخش قابل توجهی از درآمد ملی بعنوان مالیات) تقاضای کارگران در افزایش مزد مطرح می گردد و این خود، تولیدکنندگان را به افزایش سطح قیمت تولیداتشان و خواه داشت. بنا بر این ملاحظات، کولین کلارک حداکثر ۲۵ درصد درآمد ملی را برای سطح بهینه ظرفیت مالیاتی توصیه می کند. مقیاس کلارک در اندازه گیری ظرفیت مالیاتی و رسیدن به رقم ۲۵ درصد درآمد ملی به عنوان ظرفیت مالیاتی از جهات مختلف مورد انتقاد قرار گرفته است. اولاً آنچه را که کلارک برای سطح بهینه ظرفیت مالیاتی محاسبه کرده است بر شرایط اقتصادی انگلستان طی سالهای خاصی مبتنی است و آن شرایط را نمی توان برای تمام کشورها با هر بافت اقتصادی اجتماعی و در هر زمان مبنا قرار داد. هر کشوری در سطوح مختلف توسعه، تفاوت نقش و حدود قدرت و دخالت دولت در نظام اقتصادی و اجتماعی توانائی خاص و وظایف ویژه ای بر عهده دارد و در رقم اندازه سطح بهینه

مالیاتی به این عوامل و این ویژگیها بسیار وابسته است. ثانیاً تجربه بسیاری از کشورها نشان داده است که اشکالات طرح شده در تجا و ظرفیت از ۲۵ درصد درآمد ملی، عملاً تحقق نیافته و هم اکنون بسیاری از کشورهای پیشرفته از نظر اقتصادی رقمی به مراتب بالاتر از ۲۵ درصد تولید ملی را به عنوان مالیات وصول می کنند. ثالثاً منابع وصول شده مالیاتی خود منشاء اثرات مولد اقتصادی است که در اندازه گیری کلارک مورد توجه قرار نگرفته است. در ادامه بحث، به مقایسه آثار اقتصادی هزینه دولت (آثار اقتصادی مالیات) و آثار خرج بخش خصوصی - اگر ارقام مالیاتی وصول نمیشد و بخش خصوصی خود عهده دار آن می شد - خواهیم پرداخت. عجلتاً باید توجه داشت که رقم پیشنهادی کلارک با توجه به شرایط خاصی محاسبه شده و شرایط امروزه غیر از آن است و نسبت بیش از ۲۵ درصد وصولی مالیات به درآمد ملی در بسیاری از کشورها هم اکنون مصداق دارد. بعلاوه ظرفیت مالیاتی مفهومی پویا است و شاخص کلارک این مفهوم را به مقوله ای آماری که به عوامل موثر در تشکیل ظرفیت مالیاتی بی توجه می ماند تبدیل می کند.

اینک ببینیم چه عواملی در تشکیل ظرفیت مالیاتی موثرند:

دوم

عوامل تعیین کننده ظرفیت مالیاتی

ظرفیت مالیاتی هر کشور، بشمارى از عوامل وابسته است. طبیعى است که از همین عوامل، هم حداکثر ظرفیت مالیاتی وهم ظرفیت بهینه مالیاتی را مى توان برداشت کرد. مسئله تاثيرپذیری ظرفیتهای یادشده از این عوامل مسئلهای انتخابی وگزینش سیاسی - اقتصادی دولت است. بهر تقدیر، مستقل از آنکه تعیین حداکثر ظرفیت مالیاتی یا تعیین سطح بهینه آن مطرح باشد، عوامل موثر در ظرفیت مالیاتی به شرح زیر است:

الف) درآمد ملی:

ظرفیت مالیاتی هر کشور به ثروت و درآمد ملی آن کشور وابسته است که مهمترین عامل تعیین کننده آن درآمد ملی است. به همین مناسبت است که ظرفیت مالیاتی را بصورت تابعی از درآمد ملی تعریف می کنند. معذالک ثروت ملی و شقوق آن در نظایمهای مختلف مالیاتی بصورت مختلف منبع بخشی از درآمد مالیاتی را تشکیل می دهد. اینکه مالیات از درآمد ملی یا ثروت ملی بايد وصول شود، یا صرفاً از درآمد ملی واگزار بناست از ثروت ملی نیز وصول شود تا چه حد و برای چه مصرفی، مقوله دیگری است ولی در این بحثی نیست که ثروت ملی در تولید ملی موثر بوده و به همین مناسبت غیر مستقیم نیز از مبانی ظرفیت مالیاتی بشمار می رود. رابطه بین درآمد ملی و ظرفیت مالیاتی از دو مجرای برقرار است:

۱- حجم درآمد. ظرفیت مالیاتی قبل از هر چیز به سطح درآمد ملی وابسته است. هر چه میزان درآمد ملی بیشتر، ظرفیت مالیاتی بیشتر. ظرفیت مالیاتی جوامع مرفه یا کشورهای پیشرفته از ظرفیت مالیاتی

کشورهای در حال توسعه بلاشبهه بیشتر است و به همین لحاظ آنها دوشهروندان یک کشور ثروتمند بیش از شهروندان کشوری فقیر می توانند از مجرای مالیات در هزینه های دولتی مشارکت نمایند.

۲- نابرابری توزیع درآمد. هرچه توزیع درآمد در یک جامعه نابرابرتر باشد، ظرفیت مالیاتی آن جامعه بیشتر است، زیرا توزیع نسبتاً برابر درآمد مخصوص در کشوری کم درآمد، مازاد مصرفی برای وصول مالیات باقی نمی گذارد و یا حاشیه آن را بسیار تقلیل می دهد. برعکس اگر توزیع درآمد نابرابر باشد تمرکز درآمد و ثروت در دست عده ای قلیل و تنگنای درآمدی سایرین، ظرفیت مالیاتی گروه نخست را بسیار افزایش خواهد داد، که اگر این توزیع نابرابر نمی بود، این ظرفیت لااقل در این حد وجود نمی آمد.

(ب) جمعیت :

پارامتر جمعیت از دو جهت یا ازدوزاویه در تعیین ظرفیت مالیاتی موثر واقع می شود:

۱- حجم جمعیت. با فرض ثابت بودن درآمد ملی، ظرفیت مالیاتی با حجم جمعیت نسبت معکوس دارد. در واقع هرچه جمعیت هر کشور کمتر باشد به اتباع آن کشور بطور متوسط سهم کمتری از درآمد ملی تعلق می گیرد و با افزایش سطح درآمد ملی و بالتبع درآمد سرانه (با فرض ثابت ماندن جمعیت) به ظرفیت مالیاتی آن نیز افزوده خواهد شد. بطریق اولی افزایش جمعیت کشور اثری در خلاف جهت مورد بالا بر جای خواهد گذاشت. البته ارتباط معکوس تغییرات جمعیت و ظرفیت مالیاتی، ارتباط مطلق نیست و به ترکیب عوامل تولید، کمیایی برخی عوامل تولید و مراحل رشد

و توسعه اقتصادی نیز مربوط می گردد، معذالک در شرایط متعارف، کسه فقدان یا کمبودعامل سرمایه، شکل مسلط راه توسعه را تبیین می کنند، افزایش جمعیت از ظرفیت مالیاتی خواهدکاست.

۲- نرخ رشد جمعیت. بحث پیش را با توجه به نرخ رشد جمعیت می توان کامل کرد. روشن است که اگر نرخ رشد جمعیت از نرخ رشد درآمد ملی بیشتر باشد، با گسترش فقر ظرفیت مالیاتی کاهش خواهد یافت. همچنین بحثی نیست که فزونی نرخ رشد بر نرخ افزایش جمعیت، درآمد ملی و هم درآمد سرانه را به مرور افزایش خواهد داد و تا آنجا که به ارتباط این دو مقوله مرتبط است به افزایش ظرفیت مالیاتی خواهد انجامید، بنا بر این شکی نیست، که تغییرات ظرفیت مالیاتی و نرخ رشد جمعیت نیز رابطه معکوس دارند و افزایش نرخ جمعیت از ظرفیت مالیاتی خواهدکاست.

ج) تلقیهای اجتماعی:

تلقی مردم از مالیات عامل دیگری در تعیین ظرفیت مالیاتی هر کشور است. اگر مردم برای این باور باشند که مالیات وضع شده در طرحهای عمرانی مفید یا مورد نظر آنها و بطور کلی صرف تا مین مالی هزینههایی می گردد که در زمان بهایدهآلهای آنها تحقق خواهد بخشید، با رغبت بیشتری لاقل با کراهت کمتری در تامین هزینههای دولت از طریق پرداخت مالیات شرکت خواهند کرد. به عبارت دیگر همسوئی زمینههای خرج دولت با انتظارات مودیان مالیاتی یا تصویر این هماهنگی از جانب مودیان مالیاتی، نوعی علاقمندی در پرداخت مالیات در مودیان بوجود می آورد و این خود ظرفیت مالیاتی را افزایش خواهد داد. طبیعی است که فقدان این زمینه مشترک و بی اعتقادی به موارد خرج دولت، عکس العمل



دیگری در کاهش ظرفیت مالیاتی درمودیان بوجود خواهد آورد. همچنین است ناتوانائی دستگاه وصول در جلوگیری از فرار مالیاتی که بی تفاوتی در بین سایر مودیان مالیاتی را نیز بوجود خواهد آورد.

د) سطح زندگی:

سطح زندگی جمعیت هر کشور عامل دیگری در تعیین ظرفیت مالیاتی است. با توجه به اینکه ظرفیت مالیاتی به تعبیری مابعدالتفاوت هزینه لازم برای حفظ معیشت مردم از درآمد ملی است، این فاصله بالطبع با افزایش استاندارد زندگی کاهش و با کاهش آن افزایش می یابد (با فرض ثابت ماندن سطح درآمد ملی). در هر صورت با فرض تغییر استاندارد زندگی و درآمد ملی، مادام که رشد افزایش سطح زندگی از رشد تولید ملی بیشتر باشد، از ظرفیت مالیاتی کاسته خواهد شد و بعکس، سرعت افزایش کمتر استاندارد زندگی نسبت به سرعت افزایش تولید درآمد ملی باعث افزایش ظرفیت مالیاتی خواهد شد.

ه) ویژگیهای هزینه های عمومی:

طبیعی است که نرخ مخارج دولت بر حسب ماهیت اقتصادی زمینه های خرج، از حیث تاثیرگذاری در ظرفیت مالیاتی خنثی نبوده و متفاوت است. آن دسته از هزینه های دولت که مصروف ظرفیت سازی تولیدی، هزینه های زیربنائی، خدمات عمومی و مخارج مستقیم تولیدی می گردد (بعنوان مثال ساختن راه، گسترش ارتباطات، هزینه های آبیاری و ایجاد تسهیلات در این زمینه، خدمات بهداشتی و فرهنگی، کمک به افزایش تولیدات صنعتی و کشاورزی و بطور کلی، تمامی هزینه های که به افزایش تولید منجر گردد) به افزایش ظرفیت مالیاتی منجر خواهد شد.

برعکس هزینه‌های غیرمولد از ظرفیت مالیاتی کشور خواهدکاست. در کشورهای در حال توسعه، که بخش قابل توجهی از هزینه دولت صرف طرحهای تولیدی می‌گردد، هزینه عمومی عامل تعیین کننده مهمی در سطح ظرفیت مالیاتی بشمار می‌رود. زیرا این اقلام هزینه باعث افزایش انباشت سرمایه، گسترش موجودی زیرساخت اجتماعی، افزایش بهره‌وری کار، ... و بالمال افزایش ظرفیت مالیاتی خواهندشد.

(و) الگوی مالیاتی:

ظرفیت مالیاتی به الگوی مالیاتی نیز وابسته است. اگر تعداد منابع درآمدی مالیات پذیر بالا باشد، ظرفیت مالیاتی نیز بیشتر خواهد بود. اگر دولت بتواند منابع جدید مالیاتی را احصاء کرده و آنها را در پایه مالیاتی منظور نماید و به عبارتی منابع مالیاتی را بسط دهد، به ظرفیت مالیاتی متناسب با آن افزوده خواهدشد. برعکس اعمال ضرایب بسپار بالای تمامی درآمدها مالیات از منابع درآمدی می‌تواند بر کاهش تولید و در نتیجه درآمدتایرگذارده و بالمال به کاهش ظرفیت تولیدی و بتبع آن کاهش ظرفیت مالیاتی بینجامد. برخی از مالیاتها برعکس تاثیر مملوسی در کاهش ظرفیت مالیاتی ندارند، مالیات بر مصرف از این زمره مالیاتها بشمار می‌رود. همچنین برخی از مالیاتها بشدت با آوری بوده و برخی دیگر از این ویژگی برخوردار نیستند. بعنوان نتیجه می‌توان و باید در طراحی الگوی مالیاتی، از تدوین قوانین لازم تا دستورالعملهای اجرایی و مکانیسمهای ارتباطی به مجموعه عوامل موثر در افزایش ظرفیت مالیاتی توجه داشت زیرا این عوامل نیز می‌توانند در برابر آن وصول مالیاتی دولت موثر واقع شوند.

معیارهای ظرفیت مالیاتی در اقتصاد ایران

الف) برآورد درآمد مالیات پذیر:

هدف اصلی از کلیه مباحث نظری در زمینه

ظرفیت مالیاتی راهیابی به قلمرو واقعی این مفهوم و جستجوی مناسبتی است که می تواند دو بایده در کسب درآمدهای مالیاتی دولت مورد اعتنا قرار گیرند.

طبیعی است که در اخذ مالیات به صرف افزایش درآمد مالیات — دولت نمی تواند توجه داشت، زیرا هدف غائی دولت و هدف اخذ مالیات نیز به سهم خود جز تحکیم پایه های اقتصادی و تقویت بنیه تولیدی کشور از طریق تخصیص بهینه منابع به زمینه های خرج مرجح و بالمال تا مین و تعالی — سلامت اقتصادی و اجتماعی فرد و جامعه، چیز دیگری نیست. از این رو در اخذ مالیات بر حسب توان مالی اقشار و گروه های حرفه ای — درآمدی جامعه، به سلامت اقتصادی و امکان یابی زمینه های ادامه فعالیت سالم تولیدی کشور نمی توان بی اعتنا ماند. درست به همین مناسبت در برآورد درآمد — مالیات پذیر، مفهوم ظرفیت بهینه مالیاتی — با توجه به مباحثی که پیش از این گذشت — مبنا قرار می گیرد.

در تعریف ظرفیت بهینه مالیاتی، آنطور که اشاره رفت، اخذ مالیات مورد نظر نباید موجب کاهش توان تولیدی کشور و تقلیل سطح زندگی — کاهش قدرت خرید — مردم را فراهم سازد، یا این آثار منفی از تبعات آن باشد. بنا بر این در جستجوی درآمد مالیات پذیر، ارقام لازم برای حفظ و تداوم

فعالیت سالم تولیدی کشور از شمول منابع مالیات پذیر بایدها رگزارده شود، تا اخذ مالیات، امکانات لازم برای ادامه فعالیت تولیدی کشور را محدود نسازد. بدیهی است خروج این ارقام از شمول منابع مالیات پذیر، یکی از بهترین زمینه های اعمال سیاست دولت نیز هست، به این معنا که دولت با اعمال معافیت یا تخفیف مالیاتی در زمینه های مورد نظر، گسترش تولید در زمینه های ترجیحی را نیز مورد حمایت قرار می دهد.

تردیدی نیست که در شرایط استثنائی و از جمله جنگ، دولت می تواند همه امکانات از جمله حداکثر ظرفیت مالیاتی را مبنای اقدامات خود قرار دهد. در این حالت بر حسب ضرورت و تشخیص هیئت حاکمه، مخارج مورد نظر بدون مرزبندی ظرفیت بهینه و ظرفیت حداکثر وصول می گردد. ولی آنچه در هر بررسی ظرفیت مالیاتی از اهمیت برخوردار است، تدقیق مرزهای ظرفیت بهینه مالیاتی و به عبارتی ترسیم حدود درآمد مالیات پذیر است. به این معنا، باید معلوم داشت، سرانجام چه مقدار از تولید ناخالص داخلی مشمول مالیات می گردد، بی آنکه به امکانات و انگیزه های تولیدی لطمه وارد گردد.

ب) تصویر درآمدی ارزش افزوده کشور:

بحث در اینجا است که کدامیک از ارقام

کلان درآمدی تولید مبنای برآورد درآمد مالیات پذیر قرار گیرد و چه جرح

و تعدیلهائی در آن به عمل آید؟

جواب این است که، چه تولید ناخالص داخلی نقطه عزیمت تحلیل

قرار گیرد، چه تولید ناخالص ملی، نظریه ارتباطی که بر حسب تعریف بین

آنها موجود است، در ماهیت بحث تغییری بوجود نمی آید. از این رو، برای

احتراف از دوباره گوئی ، این بررسی را از تولید ناخالص داخلی آغاز می کنیم و برحول این محور خواهیم دید که در این رقم بمنظور دستیابی به رقم در آمد مالیات پذیر ، چه دخل و تصرفی باید صورت پذیرد .

فرض کنیم در کشوری ۱۰۰۰ واحد زتنها یک کالا و بعنوان مثال سیگار و به قیمت هر واحد ۱۰۰ ریال تولید می شود . ارزش افزوده تولیدات این کشور به قیمت عوامل و قیمت بازاری (پیش و پس از اخذ مالیات غیر مستقیم) به شرح زیر بین عوامل تولید تخصیص می یابد :

ارزش عوامل	به قیمت عوامل	به قیمت بازاری
		واحد : ریال
دولت (مالیات غیر مستقیم)	۰	۱۰۰،۰۰۰
کارکنان (دستمزد)	۵۰،۰۰۰	۵۰،۰۰۰
کارفرما (سود)	۳۰،۰۰۰	۳۰،۰۰۰
(استهلاک)	۲۰،۰۰۰	۲۰،۰۰۰
	<hr/>	<hr/>
	۱۰۰،۰۰۰	۲۰۰،۰۰۰

در مثال فوق دولت از هر واحد سیگار فروش رفته ۱۰۰ ریال مالیات گرفته است . جای سوال این است که از رقم ارزش تولید به قیمت عوامل باید مالیات گرفت یا از ارزش افزوده تولید به قیمت بازاری ؟ شکی نیست که نه از رقم مربوط به ارزش افزوده به قیمت عوامل ، زیرا ارزش افزوده به قیمت بازاری خود شامل مالیات غیر مستقیم می شود و اخذ مالیات از مالیات خود بی معنا است و از مالیات نمی توان مجدداً مالیات گرفت . ولی آیا ، اگر دولت بخشی از این مالیات را به مناسبتی به عنوان سوبسید در اختیار تولید کننده (یا مصرف کننده) قرارداد و برای آن گروه ایجاد درآمد کرد ، با زهم ارزش افزوده به قیمت عوامل مبنای برآورد درآمد مالیات پذیر قرار

خواهد گرفت ؟ برای پاسخ به این سوال مثال دیگری را مورد توجه قرار می دهیم . فرض کنیم در کشور یا د شده علاوه بر سیگار ، شیر نیز تولید می شود و دولت ضمن اخذ مالیات سابق از سیگار تولید شده ، برای تشویق تولید شیر ، به تولیدکننده این فرآورده مبلغی معادل رقم مندرج در جدول زیر کم می کند :

ارزش افزوده	به قیمت عوامل	به قیمت بازار
دولت (خالص مالیات غیر مستقیم)	۰	۵۰,۰۰۰
کارکنان (دستمزد)	۱۰۰,۰۰۰	۱۰۰,۰۰۰
کارفرما (سود)	۶۰,۰۰۰	۶۰,۰۰۰ + ۵۰,۰۰۰
استهلاک	۴۰,۰۰۰	۴۰,۰۰۰
جمع	۲۰۰,۰۰۰	۲۵۰,۰۰۰

در این مثال ، دولت چون مثال قبل از هر واحد سیگار فروش رفته ۱۰۰ ریال و در جمع ۱۰۰,۰۰۰ ریال مالیات وصول کرده ولی نیمی از آن ، یعنی ۵۰,۰۰۰ ریال را بعنوان سوبسید ، به تولیدکننده شیر کمک کرده است ، به همین علت ، خالص مالیات غیر مستقیم به ۵۰,۰۰۰ ریال تقلیل یافته و در عوض به سهم کارفرما ارزش افزوده ۵۰,۰۰۰ ریال افزوده شده و رقم نظیر کارفرما ۱۱۰,۰۰۰ ریال شده است . در این حالت ، کدام رقم ، رقم ارزش افزوده به قیمت عوامل یا رقم ارزش افزوده به قیمت بازار را باید برگزید ؟ هیچکدام ، زیرا به درآمدها در ارزش افزوده به قیمت بازار مبالغی افزوده شده ، که در ارزش افزوده به قیمت عوامل بازتاب دارد ، بنابراین این ارزش افزوده به قیمت عوامل را نمی توان مبنا قرار داد و در ارزش افزوده به قیمت بازار نیز مبلغی معادل ۵۰,۰۰۰ ریال بعنوان خالص مالیات

غیرمستقیم منظور شده، که از آن نیز مجدداً نمی توان مالیات اخذ کرد. ولی با کاستن این رقم از ارزش افزوده به قیمت بازاری می توان به مبنای محاسبه درآمد مالیات پذیر دست یافت. بنا بر این فرمول محاسبه درآمد مالیات پذیر تا حال حاضر به این صورت است:

خالص مالیات غیرمستقیم
 سوبسید + (سوبسید - مالیات غیرمستقیم) - تولید ناخالص داخلی به قیمت
 بازار = درآمد مالیات پذیر

یا

(رابطه الف)

سوبسید + تولید ناخالص داخلی به قیمت عوام = درآمد مالیات پذیر

در این مرحله از بحث به این نکته باید توجه داشت، که هنوز رابطه الف، به دخل و تصرف بیشتری نیاز دارد تا تصویر درآمدی مالیات پذیر را ارائه دهد. از جمله، افزودن درآمد عوام تولید ایرانی در خارج از کشور. زیرا در نظام مالیاتی و بر حسب قوانین مالیاتی اینگونه درآمدها نیز مشمول مالیات است، بنا بر این درآمد عوام تولید ایرانی از خارج از کشور نیز بخشی از درآمد مالیات پذیر را تشکیل می دهد. بنا بر این شکل کاملتر رابطه (الف) بصورت زیر درمی آید:

درآمد عوام تولید ایرانی از خارج کشور + سوبسید + تولید ناخالص داخلی
 به قیمت عوام = درآمد مالیات پذیر (رابطه ب)

حال با عطف توجه به تعریف ظرفیت بهینه مالیاتی، در عمل باید منابع لازم برای ترمیم سرمایه گذاریهای استهلاک شده را نیز از مشمول درآمد مالیات پذیر خارج کرد، تا ظرفیت تولیدی کشور از بابت مالیات دچار

لطمه نگردد و امکانات تولیدی نقمان نپذیرد. این استهلاك اعم است از سرمایه گذاری بخش خصوصی یا عمومی، بنا براین، رابطه (ب) را بصورت رابطه (ج) باید تعدیل کرد:

استهلاك کل سرمایه منهای رابطه (ب) = رابطه (ج)

اینک بحث دیگری مطرح است و آن درآمد دولت از محل صدور نفت است. بدیهی است که آنچه را دولت خود را وصول می کند و درآمدی که انحصاراً به دولت تعلق دارد، از شمول درآمد مالیات پذیر بر حسب منطق خارج است. زیرا دولت از درآمد خود مالیات نمی گیرد و افزودن این رقم به منابع درآمدی مالیات پذیر، حجم این منابع را بدون توجه افزایش می دهد، بنا براین رابطه (ج) بصورت زیر درخواهد آمد:

مازاد عملیات بخش نفت منهای رابطه (ج) = رابطه (د)

مازاد عملیات به این مناسبت که جبران خدمات کارکنان بخش نفت، مشمول مالیات است و بالطبع بخشی از درآمد مالیات پذیر بشمار می آید. مازاد عملیات قابل تعمیم است به آن دسته از شرکتهای دولتی (اگر وجود داشته باشد) که تماماً درآمد آن در اختیار دولت قرار می گیرد. و برعکس، درآمدهائی که از فروش خانه ها و مستغلات مسکونی تولیدی در هر سال ایجاد می شود - یعنی قصد مالک از بنای واحد مسکونی، نه سکونت در آن، بلکه فروش آن است - بهر تعداد دفعه که خانه خرید و فروش شود و هر بار که درآمدی برای فروشنده مراحل بعد ایجاد شود و یا معاملات مشابه در زمینه اتوموبیل و... لزوماً به منابع درآمدی مالیات پذیر (رابطه (د)) اضافه خواهد شد.

هنوز جرح و تعدیلهائی، برای نیل به حجم درآمد مالیات پذیر،

در رابطه (د) باید اعمال شود، زیرا دورقم عمده سرمایه‌گذاری و مصرف خانوار در سطح کل کشور، از جمله ارقامی است که نمی‌تواند، با توجه به تعریف ظرفیت بهینه مالیاتی، مشمول مالیات شود. در معافیت بودجه خانوار، با خروج مبلغی نظیر کل هزینه‌ای که تحت این عنوان در سطح کشور بمصرف می‌رسد از مشمول منابع مالیات پذیر بحثی نیست، زیرا — در ex-Poste این مخارج صورت پذیرفته و در ex-ante نیز ناگزیر است، با این تفاوت که در صورت لزوم می‌توان با اعمال سیاست، بر طبق مقتضیات وقت و تصمیمات سیاستگذار، به آن جهت و شکل خاص داد. بنابراین این رابطه (د) را با کسر کل بودجه خانواری می‌توان بصورت رابطه (ح) نوشت.

کل هزینه خانوارها در سطح کشور منهای رابطه (د) = رابطه (ح)

و بالاخره با کسر مبالغ خالص سرمایه‌گذاری از رقم بدست آمده از رابطه (ح)، برآورد نسبت دقیق از درآمدی که بر آن می‌توان مالیات وضع کرد بدست خواهد آمد. هدف از معافیت مالیاتی سرمایه‌گذاری اعم از دولتی یا غیردولتی نیز روشن است، و آن ایجاد تسهیلات یا لااقل عدم ایجاد تضییقات در توان تولیدی کشور بوده و منطبق با تعریف ظرفیت بهینه مالیاتی است. با توجه به بحث مطروحه، جدول زیر از سیر حرکت از تولید ناخالص تا درآمد مالیات پذیر بدست می‌آید:

"جدول تعیین درآمد مالیات پذیر"

تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار

کسر میشود: خالص مالیات غیر مستقیم

اضافه میشود:

— سوبسید

— درآ مدعوا مل تولید ایرانی از خارج از کشور

کسر میشود :

— استهلاك كل سرمايه (دولتی یا غیردولتی)

— ما زاد عملیات بخش نفت

— ما زاد عملیات سایر شرکتها ی دولتی

— جمع جبری سایر تعدیلات لازم در ارزش افزوده محاسبه شده در ایران

با توجه به ماهیت درآ مدزائی روش محاسبه .

کسر میشود :

— كل هزینه خانوار در سطح کشور

كل خالص سرمايه گذاری (دولتی یا غیردولتی)

ج) درآ مد مالیات پذیر :

بر مبنای این جدول می توان ظرفیت بهینه مالیاتی را در سالهای پیش محاسبه کرد و به ارقامی حتی المقدور مستدل دست یافت. از این رو محاسبه ظرفیت مالیاتی به شکل *ex-Poste* از اعمال جـرح و تعدیلهای لازم بر حسب جدول فوق در تولید ناخالص داخلی بدست می آید و می توان گفت که اگر ارقام بدست آمده بعنوان درآ مد مالیات پذیر، و یا کسری از آن در سالهای گذشته وصول می شد، نه در سطح قدرت خرید مردم و نه در میزان سرمایه گذاری افت و مکتبی بوجود نمی آمد. معذالک معلوم نیست، که جذب ظرفیت بهینه مالیاتی، یا درآ مد مالیات پذیر، بعنوان مالیات بر طبق روابط فوق در کردار فرد به عنوان کارگزار اقتصادی یا *Homo economicus* اعمال مصرف کننده یا مولد تا ثیری نگذارد و کمکان در عرصه کلان اقتصادی پائینترهای اقتصادی بدون تغییر علی به شیوه قبل

عمل نماید. احتمال تغییر در کردار فرد، اگر بناست کل درآمد مالیات پذیر بعنوان مالیات وصول شود از اینجا پیش می آید که فرد تولیدکننده یا سرمایه گذار، بخشودگی مالیاتی یا معافیت از پرداخت مالیات ارقام سرمایه گذاری و استهلاک سرمایه را ضمن امکان مصرف در حد بودجه خانوار خود، برای ادامه فعالیت کافی نداند و انگیزه لازم را در ادامه موثر سرمایه گذاری نداشته باشد. در این صورت طیف گسترده ای از ارقام درآمد مالیات پذیر بر حسب حدود آزادی برداشت تولیدکننده، از درآمد که خود مولد آن است، بدست خواهد آمد. بنابراین برآورد، درآمد مالیات پذیر بصورت *ex- ante* مستلزم تعیین حدود مصرف خانوار برای خانوارهای مرفه و قائل شدن یا نشدن حدی فراتر از ضرورت های سرمایه گذاری (معافیت منابع سرمایه گذاری و استهلاک آن از پرداخت مالیات) برای سرمایه گذار است. ارفاق سیاستگذار را در این حد می توان مع الواسطه ضریب بخشودگی (درصدی از درآمد مالیات پذیر هر فرد یا خانوار از طریق پیش بینی قانونی محقق ساخت.

سهم کل مالمات از توليد ناخالص داخلي برخي از كشورها

ردیف	کشور	سال	۱۹۷۰	۱۹۷۱	۱۹۷۲	۱۹۷۳	۱۹۷۴	۱۹۷۵	۱۹۷۶	۱۹۷۷	۱۹۷۸	۱۹۷۹	۱۹۸۰	۱۹۸۱	۱۹۸۲	۱۹۸۳	۱۹۸۴
۱	ایالات متحده				۱۷/۱۶	۱۷/۱۵	۱۸/۰۷	۱۷/۸۶	۱۷/۰۴	۱۸/۲۳	۱۸/۳۰	۱۹/۰۲	۱۸/۶۶	۱۹/۳۸	۱۹/۱۸	۱۷/۳۱	۱۷/۳۱
۲	ژاپن		۱۰/۳۲	۱۰/۱۶	۱۰/۹۶	۱۰/۲۰	۱۱/۲۶	۹/۵۱	۹/۹۸	۹/۷۰	۱۱/۱۷						
۳	دانمارک		۳۰/۹۵	۳۲/۵۴	۳۱/۸۹	۳۰/۰۶	۳۲/۰۵	۲۸/۷۸	۲۸/۶۳	۳۰/۵۷	۳۰/۵۵	۳۱/۰۹	۳۱/۳۹	۳۱/۲۸	۳۰/۶۳	۳۱/۸۲	۳۳/۱۹
۴	فنلاند				۲۵/۲۷	۲۵/۸۷	۲۵/۰۶	۲۶/۲۱	۲۹/۴۱	۲۸/۶۴	۲۶/۲۸	۲۵/۲۷	۲۴/۹۳	۲۶/۰۵	۲۵/۷۵	۲۵/۶۰	
۵	فرانسه				۳۲/۰۳	۳۱/۵۲	۳۲/۵۳	۳۲/۳۴	۳۵/۰۳	۳۵/۰۶	۳۵/۱۵	۳۶/۶۶	۳۸/۰۱	۳۸/۱۶	۳۸/۹۷	۳۹/۵۵	۳۹/۰۵
۶	آلمان		۲۳/۲۵	۲۳/۶۰	۲۴/۲۳	۲۵/۱۹	۲۷/۸۵	۲۵/۱۸	۲۵/۸۸	۲۶/۲۵	۲۶/۱۷	۲۵/۹۳	۲۷/۵۴	۲۷/۹۱	۲۸/۱۰	۲۷/۵۹	
۷	هلند					۲۳/۶۰	۲۴/۰	۲۵/۲۳	۲۴/۷۴	۲۵/۸۲	۲۶/۰۱	۲۶/۲۵	۲۵/۲۰	۲۴/۶۲	۲۴/۹۲	۲۶/۲۰	۲۴/۸۹
۸	نروژ				۳۴/۱۶	۳۴/۲۶	۳۳/۸۷	۳۳/۷۴	۳۴/۶۱	۳۵/۳۵	۳۴/۹۶	۳۵/۲۸	۳۷/۳۲	۳۸/۷۶	۳۷/۹۱	۳۷/۷۳	
۹	سوئد				۲۹/۳۲	۳۰/۵۶	۲۸/۸۹	۲۸/۵۹	۲۹/۲۵	۲۶/۵۹	۳۵/۷۲	۳۴/۳۵	۳۰/۴۰	۳۱/۰۰	۳۲/۳۷	۳۲/۲۷	۳۳/۳۰
۱۰	سوئیس		۱۳/۷۲	۱۳/۲۳	۱۳/۷۷	۱۴/۹۸	۱۵/۷۶	۱۶/۶۷	۱۸/۳۳	۱۸/۲۸	۱۸/۶۹	۱۸/۱۹	۱۸/۲۰	۱۸/۰۹	۱۸/۵۹	۱۸/۸۸	
۱۱	انگلستان				۳۱/۲۶	۲۹/۸۲	۲۷/۸۹	۳۱/۰۹	۳۱/۳۹	۳۱/۰۳	۳۰/۷۷	۲۸/۸۸	۳۱/۰۶	۳۱/۶۱	۳۲/۳۴	۳۳/۰۷	
۱۲	اندونزی				۱۲/۲۵	۱۳/۸۱	۱۵/۹۹	۱۶/۶۳	۱۷/۹۲	۱۷/۷۵	۱۸/۱۲	۲۱/۲۷	۲۱/۷۶	۲۱/۹۳	۲۳/۸۵	۲۶/۵۵	
۱۳	کره				۱۳/۸۷	۱۱/۹۲	۱۰/۶۰	۱۲/۴۸	۱۴/۱۲	۱۵/۸۴	۱۵/۵۱	۱۶/۰۷	۱۵/۵۸	۱۵/۷۴	۱۹/۸۲	۲۱/۳۵	۲۱/۳۵
۱۴	ترکیه		۱۴/۰۳	۱۶/۷۹	۱۶/۸۹	۱۷/۵۹	۱۵/۹۱	۱۸/۳۰	۲۰/۳۱	۲۰/۲۶	۲۰/۵۲	۱۸/۵۸	۱۷/۳۳	۱۸/۸۰			
۱۵	مصر							۲۷/۷۷	۲۳/۶۰	۳۰/۳۲	۲۷/۲۹	۲۵/۸۶		۲۸/۸۶	۲۹/۱۹	۲۷/۳۳	۲۶/۰۶
۱۶	ایران		۹/۴۰	۸/۷۵	۸/۷۳	۷/۹۵	۵/۷۸	۸/۵۵	۷/۹۰	۹/۰۹			۶/۵۶	۸/۵۸	۱۰/۲۰	۱۱/۳۶	
۱۷	مکزیک					۱۰/۴۹	۱۰/۳۷	۱۱/۱۶	۱۲/۸۸	۱۲/۹۵	۱۳/۷۰	۱۴/۵۲	۱۴/۹۶	۱۴/۲۷			
۱۸	ونزوئلا		۱۳/۳۰	۱۵/۸۳	۱۵/۳۹	۱۹/۲۳	۲۰/۰۴	۲۶/۸۴	۲۲/۴۵	۲۱/	۱۸/۷۱	۱۹/۱۸	۲۱/۹۲	۳۰/۰۵	۳۳/۰۱۴	۳۲/۰۱۵	
آمار موجود نموده است .																	

شاخص و رتبه بندی کوشش مالیاتی در کشورهای منتخب در حال توسعه

(۱۹۷۹ - ۱۹۷۴)

رتبه بندی شاخص کوشش مالیاتی	شاخص کوشش مالیاتی	ظرفیت مالیاتی	نسبت مالیاتی حقیقی (درصد)	نام کشور	ردیف
۲	۱/۴۴۷	۲۱/۵۶	۲۱/۲	گویان	۱
۱۴	۱/۱۸۱	۲۵/۹۱	۳۰/۶	ترینیداد و توباگو	۲
۵	۱/۲۸۴	۱۹/۰۰	۲۶/۳	یونان	۳
۳۱	۰/۹۳۴	۲۶/۸۷	۲۵/۱	مالت	۴
۲۱	۱/۱۱۶	۲۱/۴۲	۲۳/۹	سوازیلند	۵
۲۲	۱/۰۸۲	۲۲/۰۹	۲۳/۹	باربادوس	۶
۶	۱/۳۷۰	۱۷/۱۵	۲۳/۵	تونس	۷
۴	۱/۴۲۵	۱۶/۴۲	۲۳/۴	زامبیا	۸
۱۵	۱/۱۸۰	۱۹/۵۸	۲۳/۱	ونزوئلا	۹
۲۵	۱/۰۳۸	۲۱/۰۰	۲۱/۸	لیبریا	۱۰
۱	۱/۴۵۷	۱۴/۶۲	۲۱/۳	شیلی	۱۱
۲۶	۰/۹۹۶	۲۰/۴۸	۲۰/۴	موریسیوس	۱۲
۱۹	۱/۱۴۴	۱۷/۸۳	۲۰/۴	مالزی	۱۳
۲۳	۱/۰۷۴	۱۸/۸۱	۲۰/۲	پاناما	۱۴
۷	۱/۲۳۸	۱۵/۰۲	۲۰/۱	نیجریه	۱۵
۹	۱/۳۰۴	۱۵/۱۸	۱۹/۸	مراکش	۱۶
۳۴	۰/۹۱۰	۲۱/۱۰	۱۹/۲	بوتسوانا	۱۷
۳	۱/۴۳۵	۱۳/۳۱	۱۹/۱	زئیر	۱۸
۲۴	۰/۸۴۰	۲۲/۵۰	۱۸/۹	اردن	۱۹
۱۸	۱/۱۵۲	۱۶/۰۳	۱۸/۵	آفریقای جنوبی	۲۰
۸	۱/۳۰۶	۱۴/۱۶	۱۸/۵	سريلانكا	۲۱
۲۰	۱/۱۲۸	۱۶/۲۲	۱۸/۳	سنگال	۲۲
۱۶	۱/۱۷۰	۱۵/۳۸	۱۸/۰	کنیا	۲۳
۱۰	۱/۳۰۰	۱۳/۵۲	۱۷/۶	برزیل	۲۴
۱۱	۱/۲۹۲	۱۳/۶۲	۱۷/۶	ترکیه	۲۵
۱۳	۱/۱۸۶	۱۲/۵۹	۱۷/۳	ناترانیا	۲۶
۱۷	۱/۱۵۵	۱۲/۸۰	۱	سومالی	۲۷
۳۶	۰/۹۰۶	۱۸/۷۶	۱۷/۰	فیجی	۲۸

شاخص و رتبه بندی کوشش مالیاتی در کشورهای منتخب در حال توسعه
(۱۹۷۴ - ۱۹۷۱)

ردیف	نام کشور	نسبت مالیاتی جنبشی (درصد)	ظرفیت مالیاتی	شاخص کوشش مالیاتی	رتبه بندی شاخص کوشش مالیاتی
۲۹	اندونزی	۱۶/۶	۱۳/۱۳	۱/۲۶۴	۱۲
۳۰	کستاریکا	۱۶/۴	۱۷/۶۷	۰/۹۲۸	۳۲
۳۱	سیرالئون	۱۵/۴	۱۵/۵۲	۰/۹۹۲	۲۸
۳۲	عمان	۱۵/۲	۲۲/۷۵	۰/۶۶۸	۵۹
۳۳	نیمه جدید	۱۵/۱	۱۷/۲۲	۰/۸۷۷	۳۹
۳۴	کره جنوبی	۱۵/۱	۱۶/۷۴	۰/۹۰۲	۳۷
۳۵	قبرس	۱۴/۸	۲۱/۴۲	۰/۶۹۱	۵۷
۳۶	پرو	۱۴/۵	۱۳/۸۴	۱/۰۴۸	۲۴
۳۷	کامرون	۱۴/۰	۱۴/۱۱	۰/۹۹۲	۴۹
۳۸	نامیبیا	۱۳/۷	۱۸/۷۴	۰/۷۳۱	۵۲
۳۹	جمهوری دومنیکن	۱۳/۶	۱۴/۹۹	۰/۹۰۷	۳۵
۴۰	السالوادور	۱۳/۳	۱۵/۹۳	۰/۸۳۵	۴۵
۴۱	جمهوری عربی یمن	۱۳/۲	۱۸/۳۶	۰/۷۱۹	۵۵
۴۲	سودان	۱۳/۱	۱۳/۱۹	۰/۹۹۳	۲۷
۴۳	مالاوی	۱۲/۹	۱۵/۱۹	۰/۸۴۹	۴۳
۴۴	هندوراس	۱۲/۶	۱۵/۶۵	۰/۷۷۷	۵۲
۴۵	تایلند	۱۲/۴	۱۴/۳۵	۰/۸۶۴	۴۱
۴۶	نیکاراگوئه	۱۲/۲	۱۵/۹۹	۰/۷۶۳	۵۳
۴۷	مکزیک	۱۲/۰	۱۳/۸۱	۰/۸۶۹	۴۰
۴۸	فیلیپین	۱۱/۸	۱۴/۲۵	۰/۸۲۸	۴۷
۴۹	آرژانتین	۱۱/۸	۱۴/۶۴	۰/۸۰۶	۵۰
۵۰	غنا	۱۱/۴	۱۳/۲۴	۰/۸۶۱	۴۲
۵۱	جمهوری عربی سوریه	۱۱/۴	۱۶/۸۱	۰/۶۷۸	۵۸
۵۲	پاکستان	۱۱/۴	۱۲/۹۷	۰/۸۷۹	۲۸
۵۳	اتیوپی	۱۱/۴	۱۱/۸۹	۰/۹۵۹	۳۰
۵۴	کلمبیا	۱۰/۷	۱۲/۹۴	۰/۸۲۷	۴۸
۵۵	رواندا	۱۰/۵	۱۲/۹۶	۰/۸۱۰	۴۹

شاخص و رتبه بندی کوشش مالیاتی در کشورهای منتخب در حال توسعه
(۱۹۷۴ - ۱۹۷۹)

رتبه بندی شاخص کوشش مالیاتی	شاخص کوشش مالیاتی	ظرفیت مالیاتی	نسبت مالیاتی (درصد)	نام کشور	ردیف
۵۱	۰/۷۸۱	۱۲/۴۴	۱۰/۵	پاراگوئه	۵۶
۲۳	۰/۹۲۷	۱۱/۲۲	۱۰/۴	هندوستان	۵۷
۶۰	۰/۶۴۴	۱۲/۴۴	۹/۳	بولیوی	۵۸
۴۶	۰/۸۳۲	۱۱/۰۶	۹/۲	برمه	۵۹
۶۱	۰/۵۰۵	۱۲/۲۳	۸/۷	جمهوری اسلامی ایران	۶۰
۵۶	۰/۶۹۵	۱۱/۲۲	۷/۸	اوگاندا	۶۱
			۱۶/۵	میانگین	
				ماخذ : از نشریات صندوق بین المللی پول	■ -

ردیف	کشور	سال	۱۹۷۰	۱۹۷۱	۱۹۷۲	۱۹۷۳	۱۹۷۴	۱۹۷۵	۱۹۷۶	۱۹۷۷	۱۹۷۸	۱۹۷۹	۱۹۸۰	۱۹۸۱	۱۹۸۲	۱۹۸۳
۱	ایالات متحده :	۱ - نسبت هزینه خدمات عمومی به مالیهات مستقیم	۵/۵۹	۵/۴۹	۴/۷۷	۴/۷۰	۶/۸۲	۷/۴۰	۶/۸۸	۷/۱۰	۷/۶۱					
	۲ - نسبت هزینه دفاعی به مالیهات مستقیم	۳۲/۸۸	۳۱/۲۹	۲۸/۱۰	۲۶/۸۰	۲۵/۶۶	۲۶/۹۱	۲۸/۱۸	۳۱/۹۶	۳۱/۱۹						
۲	ژاپن	۱ - نسبت هزینه خدمات عمومی به مالیهات مستقیم														
	۲ - نسبت هزینه دفاعی به مالیهات مستقیم															
۳	دانمارک	۱ - نسبت هزینه خدمات عمومی به مالیهات مستقیم	۲۱/۲۵	۲۱/۲۷	۲۲/۸	۲۲/۱۷	۲۲/۰۲	۲۳/۸۵	۲۲/۲۱	-	-					
	۲ - نسبت هزینه دفاعی به مالیهات مستقیم	۱۶/۲۲	۱۶/۳۳	۱۶/۲۷	۱۵/۹۶	۱۵/۳۹	۱۷/۵۳	۱۷/۸۹	-	-						
۴	فنلاند	۱ - نسبت هزینه خدمات عمومی به مالیهات مستقیم	۱۶/۳۹	۱۷/۲۸	۱۴/۷۰	۱۵/۸۰	۱۹/۷۷	۲۱/۲۶	۲۰/۷۲	۱۹/۵۱	۱۸/۴۱	۱۹/۲۳				
	۲ - نسبت هزینه دفاعی به مالیهات مستقیم	۹/۶۳	۱۰/۶۹	۷/۸۵	۹/۱۹	۱۱/۳۲	۱۳/۰۱	۱۴/۲۳	۱۲/۰۹	۱۳/۲۸	۱۴/۸۳					

ردیف	کشور	سال	۱۹۷۰	۱۹۷۱	۱۹۷۲	۱۹۷۳	۱۹۷۴	۱۹۷۵	۱۹۷۶	۱۹۷۷	۱۹۷۸	۱۹۷۹	۱۹۸۰	۱۹۸۱	۱۹۸۲
۵	فرانسه														
	۱ - نسبت هزینه خدمات عمومی به مالیات مستقیم								۱۱/۲۲	۱۱/۲۴	۱۰/۸۳	۱۲/۱۰	۹/۷۶	۱۰/۱۷	۱۰/۶۴
	۲ - نسبت هزینه دفاعی به مالیات مستقیم								۱۲/۲۲	۱۱/۲۱	۱۱/۲۲	۱۱/۵۸	۱۱/۶۰	۱۲/۰۲	۱۲/۰۵
۶	آلمان														
	۱ - نسبت هزینه خدمات عمومی به مالیات مستقیم								۶/۲۱	۵/۹۷	۵/۸۵	۶/۲۰	۶/۵۹	۶/۱۰	۶/۰۸
	۲ - نسبت هزینه دفاعی به مالیات مستقیم								۱۶/۷۰	۱۵/۳۹	۱۲/۲۳	۱۴/۲۴	۱۲/۲۲	۱۳/۲۳	۱۳/۶۹
۷	هلند														
	۱ - نسبت هزینه خدمات عمومی به مالیات مستقیم								۱۱/۹۲	۱۰/۲۲	۱۰/۲۸	۱۱/۰۱	۱۰/۵۳	۱۰/۲۲	۱۰/۱۷
	۲ - نسبت هزینه دفاعی به مالیات مستقیم								۹/۲۷	۸/۸۳	۹/۳۵	۸/۹۰	۹/۰۴	۸/۷۷	۸/۷۹

ردیف	کشور	سال	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳
۸	لبنان	۱ - نسبت هزینه خدمات عمومی به مالیهات مستقیم	۱۳/۲۵	۱۴/۹۲	۱۵/۷۲	۱۸/۹۵	-	-	-	-	-	-	-	۱۰/۳۷	۱۱/۲۸	۱۱/۵۹
		۲ - نسبت هزینه دفاعی به مالیهات مستقیم	۱۸/۱۳	۱۹/۳۲	۱۸/۷۰	۱۸/۶۶	-	-	-	-	-	-	-	۱۲/۸۹	۱۵/۱۸	۱۵/۷۰
۹	سودان	۱ - نسبت هزینه خدمات عمومی به مالیهات مستقیم	۱۷/۰۵	۱۴/۳۲	۱۳/۹۹	۱۲/۶۹	۱۶/۷۶	۱۶/۷۶	۱۶/۰۲	۱۵/۶۶	۱۴/۸۱					
		۲ - نسبت هزینه دفاعی به مالیهات مستقیم	۱۷/۹۶	۱۴/۲۵	۱۳/۶۲	۱۴/۷۹	۱۵/۸۲	۱۵/۶۱	۱۵/۰۸	۱۵/۱۵	۱۵/۰۸					
۱۰	سودان	۱ - نسبت هزینه خدمات عمومی به مالیهات مستقیم	۸/۵۹	۷/۸۰	۷/۰۵	۷/۰۹	۷/۱۱	۷/۵۹	۷/۶۶	۷/۳۲	۷/۳۰					
		۲ - نسبت هزینه دفاعی به مالیهات مستقیم	۱۸/۸۱	۱۷/۶۹	۱۷/۶۶	۱۶/۸۵	۱۶/۰۵	۱۷/۲۳	۱۶/۲۸	۱۶/۱۳	۱۶/۰۷					

[illegible]

ردیف	کشور	سال	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳
۱۹	اندونزی	۱- نسبت هزینه خدمات عمومی به مالیات مستقیم	۲۹/۷۵	۳۲/۸۱	۳۰/۶۹	۲۷/۲۲	۲۷/۹۳	۲۲/۸۵	۲۱/۰۶	۲۰/۵۷	۲۵/۵۲					
	۲- نسبت هزینه دفاعی به مالیات مستقیم	۳۲/۰۹	۲۷/۷۶	۲۱/۵۳	۲۵/۷۸	۲۰/۹۱	۱۷/۷۹	۱۷/۹۷	۱۸/۸۷	۱۶/۶۵						
۲۰	کره	۱- نسبت هزینه خدمات عمومی به مالیات مستقیم	۳۲/۲۶	۳۷/۸۵	۳۷/۹۶	۳۷/۲۸	۲۰/۷۳	۲۱/۸۹	۲۱/۲۵	۲۲/۲۸						
	۲- نسبت هزینه دفاعی به مالیات مستقیم	۱۱۲/۲۸	۱۲۸/۵۲	۱۳۰/۵۳	۱۰۸/۹۱	۱۳۲/۳۶	۱۲۲/۰۲	۱۱۹/۶۲								
۲۱	مالزی	۱- نسبت هزینه خدمات عمومی به مالیات مستقیم	۲۰/۹۲	۱۲/۶۵	۲۸/۷۸	۱۳/۷۳	۱۰/۲۲	۱۵/۲۲	۱۲/۰۸	-	-					
	۲- نسبت هزینه دفاعی به مالیات مستقیم	۵۲/۳۶	۵۲/۷۶	۵۲/۷۰	۲۵/۲۲	۳۷/۳۲	۲۱/۶۸	۲۷/۶۸	-	-						
۲۲	فیلیپین	۱- نسبت هزینه خدمات عمومی به مالیات مستقیم	۳۲/۲۹	۶۱/۲۲	۸۸/۱۲	۷۲/۵۲	۹۷/۸۷	۸۷/۹۳	۸۹/۲۹	۹۲/۶۶	۹۷/۲۶					
	۲- نسبت هزینه دفاعی به مالیات مستقیم	۶۷/۷۵	۱۰۵/۱۰	۱۰۵/۸۸	۹۲/۰۶	۶۲/۹۶	۷۸/۲۲	۶۸/۸۰	۶۸/۶۰	۶۵/۰۳	۶۷/۲۲					
۲۳	مجارستان	۱- نسبت هزینه خدمات عمومی به مالیات مستقیم														
	۲- نسبت هزینه دفاعی به مالیات مستقیم															

ردیف	کشور	سال	۱۹۷۰	۱۹۷۱	۱۹۷۲	۱۹۷۳	۱۹۷۴	۱۹۷۵	۱۹۷۶	۱۹۷۷	۱۹۷۸	۱۹۷۹	۱۹۸۰	۱۹۸۱	۱۹۸۲	۱۹۸۳
۱۵	اتیوپی	۱ - نسبت هزینه خدمات عمومی به مالیات مستقیم	۹۶/۲۳	۹۵/۰۵	۹۶/۶۷											
		۲ - نسبت هزینه دفاعی به مالیات مستقیم	۶۹/۰۵	۶۶/۸۵	۶۹/۱۱											
۱۶	سودان	۱ - نسبت هزینه خدمات عمومی به مالیات مستقیم	۱۱۲/۰۲	۱۰۵/۹۱	۹۶/۳۰	۱۰۲/۵۳	۱۰۱/۲۲	۷۶/۰۲	۶۷/۱۵	۳۲۲/۱۲	۳۱۹/۳۷	-	-	-	۱۶۱/۰۲	-
		۲ - نسبت هزینه دفاعی به مالیات مستقیم	۲۱۵/۱۷	۱۸۵/۲۲	۱۸۲/۲۱	۱۲۵/۵۷	۱۳۸/۷۹	۱۲۹/۶۲	۱۵۷/۷۳	۱۱۸/۵۷	۱۲۸/۶۳	-	-	-	۸۵ / -	-
۱۷	بنگلادش	۱ - نسبت هزینه خدمات عمومی به مالیات مستقیم	۳۴۱/۳	۲۱۵/۲۲	۱۳۳/۲۰	۷۷/۹۹	۱۰۹/۲۳	۱۱۰/۳۵	-	۱۲۲/۵۲						
		۲ - نسبت هزینه دفاعی به مالیات مستقیم	۱۰۸/۹۵	۱۰۲/۲۰	۶۰/۷۷	۷۳/۲۵	۱۲۳/۱۳	۸۷/۸۰	-	۶۸/۸۲						
۱۸	هندوستان	۱ - نسبت هزینه خدمات عمومی به مالیات مستقیم	۳۸/۲۲	۳۶/۷۷	۳۷/۰۱	۳۴/۵۱	۳۵/۸۳	۳۴/۷۵	۳۷/۲۱	۳۵/۱۰	۳۵/۷۲	۳۷/۶۲				
		۲ - نسبت هزینه دفاعی به مالیات مستقیم	۱۲۱/۲۷	۱۰۶/۲۱	۱۰۳/۳۶	۱۰۲/۶۸	۱۰۵/۷۸	۱۱۱/۳۲	۱۱۸/۷۶	۱۱۳/۹۳	۱۲۰/۸۶	۱۲۸/۶۳				

ردیف	گفتاور	سال	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳
۲۴	روغاسی	۱ - نسبت هزینه خدمات عمومی به مالیات مستقیم	۱/۱۷۱۵	۱/۱۳۹۹	۱/۱۱۶۹	۱/۹۷۱	۱/۷۵۸	۱/۶۱۴	۱/۵۵۵							
	۲ - نسبت هزینه دفاعی به مالیات مستقیم	۱/۰۰۸	۱/۹۲۴۹	۱/۷۶۲۶	۱/۶۷۷۸	۱/۵۵۱۴	۱/۴۳۲۱	۱/۳۲۷۹								
۲۵	ترکیه	۱ - نسبت هزینه خدمات عمومی به مالیات مستقیم														
	۲ - نسبت هزینه دفاعی به مالیات مستقیم															
۲۶	بحرین	۱ - نسبت هزینه خدمات عمومی به مالیات مستقیم														
	۲ - نسبت هزینه دفاعی به مالیات مستقیم															
۲۷	مصر	۱ - نسبت هزینه خدمات عمومی به مالیات مستقیم														
	۲ - نسبت هزینه دفاعی به مالیات مستقیم															
	۱ - نسبت هزینه خدمات عمومی به مالیات مستقیم															
	۲ - نسبت هزینه دفاعی به مالیات مستقیم															

ردیف	کشور	سال	۱۹۷۰	۱۹۷۱	۱۹۷۲	۱۹۷۳	۱۹۷۴	۱۹۷۵	۱۹۷۶	۱۹۷۷	۱۹۷۸	۱۹۷۹	۱۹۸۰	۱۹۸۱	۱۹۸۲	۱۹۸۳
۲۸	ایران	۱- نسبت هزینه خدمات عمومی به مالیات مستقیم	۷۱/-۵	۲۳/۵۲	۲۵/۲۶	۲۰/۲۹	۳۵/۲۷	۴۸/۶۹	۱۰۵/۲۸	۲۹/۱۷	۶۵/۲۶	۵۶/۹۳				
		۲- نسبت هزینه دفاعی به مالیات مستقیم	۲۱۷/-۲	۲۶۳/۲۸	۲۵۰/۹۲	۱۹۳/۹۹	۱۵۰/۶۹	۱۰۰/۷۹	۱۶۴/۶۴	۶۹/۲۵	۶۸/۴۹	۵۹/۵۳				
۲۹	کویت	۱- نسبت هزینه خدمات عمومی به مالیات مستقیم	۵۱/۲۱	۴۳/۶۵	-	-	۱۵۸/۴۱	۱۲۲/۶۰	۳۶۹/۷۸	۳۷۷/۷۸	۴۸۸/۲۳	۵۰۳/۹۶				
		۲- نسبت هزینه دفاعی به مالیات مستقیم	۱۰/۸۲	۱۲/۴۱	-	-	۲۱۹/۲۷	۶۹/۳۵	۲۶۷/۸۶	۱۸۸/۴۹	۱۵۵/۵۵	۳۲۳/۵۵				
۳۰	مکزیک	۱- نسبت هزینه خدمات عمومی به مالیات مستقیم	۱۷/۹۶	۱۸/۶۸	۸/۷۱	۴/۴۱	۳/۱۴	۲۵/۴۰	۲۲/۳۵	۲۵/۸۵	۳۰/۲۲					
		۲- نسبت هزینه دفاعی به مالیات مستقیم	۷/۷۹	۷/۵۹	۶/۵۷	۵/۷۷	۵/۸۳	۴/۹۲	۶/۲۰	۶/۵۶	۸/۰۱					
۳۱	ونزوئلا	۱- نسبت هزینه خدمات عمومی به مالیات مستقیم	۸/۶۱	۱۰/۲۵	۱۳/۰۹	۱۶/۲۶	۱۲/۷۵	۱۳/۸۷	۷/۸۸	۸/۹۲	۱۴/۹۹					
		۲- نسبت هزینه دفاعی به مالیات مستقیم	۸/۳۲	۷/۲۶	۸/۸۶	۱۰/۲۷	۸/۹۵	۶/۷۱	۴/۲۲	۹/۱۰	۸/۷۵					

ردیف	نام کشور	۱۹۸۰			۱۹۸۱			۱۹۸۲			۱۹۸۳			۱۹۸۴		
		درآمد مالیاتی	تولید ناخالص داخلی	نسبت مالیاتی	درآمد مالیاتی	تولید ناخالص داخلی	نسبت مالیاتی	درآمد مالیاتی	تولید ناخالص داخلی	نسبت مالیاتی	درآمد مالیاتی	تولید ناخالص داخلی	نسبت مالیاتی	درآمد مالیاتی	تولید ناخالص داخلی	نسبت مالیاتی
۱	ایالات متحده	۵۰۰/۹۲	۲۶۸۴/۴	۱۸/۶۶۰	۵۸۱/۶۲	۳۰۰۰/۵	۱۹/۳۸۴	۵۹۷/۴۷	۳۱۱۲/۹	۱۹/۱۸۱	۵۸۰/۶۶	۲۲۵۰/۹	۱۷/۳۲۸	۶۴۵/۰۲	۲۷۱۷/۵	۱۷/۴۱
۲	ژاپن	۲۴۰/۱۷۶	۲۴۰/۱۷۶	۲۴۰/۱۷۶	۲۴۰/۱۷۶	۲۴۰/۱۷۶	۲۴۰/۱۷۶	۲۴۰/۱۷۶	۲۴۰/۱۷۶	۲۴۰/۱۷۶	۲۴۰/۱۷۶	۲۴۰/۱۷۶	۲۴۰/۱۷۶	۲۴۰/۱۷۶	۲۴۰/۱۷۶	۲۴۰/۱۷۶
۳	دانمارک	۱۱۷/۲۷۰	۲۷۳/۷۹	۳۱/۳۹۷	۱۲۷/۵۸۶	۴۰۷/۷۹	۳۱/۳۸۵	۱۲۲/۲۴۶	۲۶۲/۴۷	۳۰/۶۲۴	۱۶۳/۲۱۷	۵۱۳/۱۷	۳۱/۸۴۳	۱۸۶/۲۸۷	۵۶۱/۱۴	۲۳/۱۹۷
۴	فنلاند	۲۸/۰۰۱	۱۹۲/۵۶	۲۲/۹۲۷	۵۶/۹۱۶	۲۱۸/۲۶	۲۶/۰۵۰	۶۲/۱۴۶	۲۴۵/۱۷	۲۵/۷۵۳	۷۰/۲۵۷	۲۷۲/۲۲	۲۵/۵۹۷	۲۵/۵۹۷	۲۰۷/۸۸	۲۳/۱۹۷
۵	فرانسه	۱۰۵۲/۵	۲۷۶۹/۳	۳۸/۰۰۵	۱۱۸۶/۹	۳۱۱۰/۶	۳۸/۱۵۶	۱۳۸۹/۹	۳۵۶۷	۳۸/۹۶۵	۱۵۵۶/۳	۲۹۳۵	۳۹/۵۵۰	۱۷۰۲/۷	۲۲۸۳	۲۹/۸۰۱
۶	آلمان	۲۰۷/۲۳	۱۲۷۸/۹	۲۷/۵۳۶	۲۲۰/۰۲	۱۵۳۰/۹	۲۷/۹۰۸	۲۴۹/۰۳	۱۵۹۷/۹	۲۸/۱۰۱	۲۶۲/۰۰	۱۶۷۴/۸	۲۷/۵۸۵	۲۷/۵۸۵	۱۷۵۴/۳	۲۳/۱۹۷
۷	هلند	۱۵۲/۲۲	۳۳۶/۷۲	۲۵/۲۰۲	۱۵۷/۲۲	۳۵۲/۸۵	۲۴/۶۱۹	۱۶۵/۷۸	۳۶۸/۸۶	۲۴/۹۲۳	۱۷۶/۰۲	۳۸۱/۰۲	۲۶/۲۰۲	۱۷۷/۲۶	۳۹۲/۸۶	۲۴/۸۹۲
۸	نروژ	۹۰۶/۳۸	۲۸۵/۰۵	۳۷/۳۱۶	۱۳۶/۹۵۷	۳۲۷/۶۱	۳۸/۷۶۳	۱۲۷/۲۳۳	۳۶۲/۲۷	۳۷/۹۱۱	۱۵۱/۷۲۷	۲۰۲/۲۰	۳۷/۷۲۷	۲۷/۷۲۷	۴۵۲/۵۱	۲۴/۸۹۲
۹	سوئد	۱۵۹/۶۲	۵۲۵/۱۰	۳۰/۳۹۹	۱۸۳/۲۹	۵۷۳/۳	۳۲/۱۷۲	۲۰۳/۲۰	۶۲۷/۶۸	۲۲/۲۷۳	۲۲۸/۳۵	۷۰۵/۳۶	۳۲/۲۷۳	۲۶۲/۹۰	۷۸۹/۵۸	۲۳/۲۹۶
۱۰	سوئیس	۳۱/۰۵	۱۷۰/۲	۱۸/۲۳۲	۲۳/۲۲۹	۱۸۴/۸	۱۸/۰۹۵	۳۶/۲۳۵	۱۹۶	۱۸/۵۸۷	۳۸/۲۹۸	۲۰۳/۹	۱۸/۸۷۷	۲۱۴/۱	۲۱۴/۱	۲۳/۲۹۶
۱۱	اینگلستان	۷۱/۲۵	۲۳۰/۰۱	۳۱/۰۵۹	۸۰/۱۳۸	۲۵۳/۴۷	۳۱/۶۱۳	۹۲/۲۹۵	۲۷۶/۱۶	۲۴/۲۳۶	۹۹/۵۵۲	۳۰۱/۰۵	۳۳/۰۶۸	۲۲/۰۱۷	۲۲۰/۱۷	۲۳/۲۹۶
۱۲		۲۴۵/۶	۲۴۵/۶	۲۴۵/۶	۲۴۵/۶	۲۴۵/۶	۲۴۵/۶	۲۴۵/۶	۲۴۵/۶	۲۴۵/۶	۲۴۵/۶	۲۴۵/۶	۲۴۵/۶	۲۴۵/۶	۲۴۵/۶	۲۴۵/۶
۱۳		۲۱۰/۶۲	۱۳۵۶/۲	۱۵/۵۳۰	۲۷۹/۳۲	۱۷۹۶/۲	۱۵/۵۳۸	۲۴۸/۹۷	۳۲۸/۹۷	۱۵/۵۳۸	۵۸۷/۶۲	۵۸۷/۶۲	۵۸۷/۶۲	۶۶۸/۲۶	۶۶۸/۲۶	۲۳/۲۹۶
۱۴	چاد															۲۳/۲۹۶
۱۵	اتیوپی	۱۳۴۴/۸۰							۹/۱۹۲			۹۵۸۳				۲۳/۲۹۶
۱۶	سودان	۴۵۹/۹۰	۲۰۷۲/۱	۱۱/۲۹۳		۲۷۹۲/۷		۶۷۳/۳	۶۲۱۷/۹	۱۰/۸۲۸						۲۳/۲۹۶

نام کشور	۱۹۸۰			۱۹۸۱			۱۹۸۲			۱۹۸۳			۱۹۸۴		
	درآمد مالیاتی	تولید ناخالص داخلی	نسبت مالیاتی	درآمد مالیاتی	تولید ناخالص داخلی	نسبت مالیاتی	درآمد مالیاتی	تولید ناخالص داخلی	نسبت مالیاتی	درآمد مالیاتی	تولید ناخالص داخلی	نسبت مالیاتی	درآمد مالیاتی	تولید ناخالص داخلی	نسبت مالیاتی
۱۷ بنگلادش	۱۵/۲۰۷	۱۹۷/۹۹	۷/۷۷۸	۲۳۲/۲۶	۱۰/۸۰۰	۱۲۷۳/۹	۱۵۹/۱۹	۱۰/۴۱۰	۱۲۷۳/۹	۱۵۹/۱۹	۱۰/۴۱۰	۱۲۷۳/۹	۱۵۹/۱۹	۱۰/۴۱۰	۱۲۷۳/۹
۱۸ هندوستان	۱۳۲/۷۲	۱۲۷۵/۱	۲۵/۲۴۶	۲۱/۷۶۲	۱۱۸۵۵/۸	۵۲/۰۲۷	۱۱۸۵۵/۸	۲۱/۷۶۲	۲۵/۲۴۶	۱۱۸۵۵/۸	۲۱/۷۶۲	۲۵/۲۴۶	۱۱۸۵۵/۸	۲۱/۷۶۲	۲۵/۲۴۶
۱۹ اندونزی	۹۸۷۶/۶	۵۸۹۶/۹	۳۷/۸۳۰	۱۵/۵۸	۷/۳۶۲/۴	۱۵/۵۸	۳۷/۸۳۰	۱۵/۵۸	۷/۳۶۲/۴	۱۵/۵۸	۳۷/۸۳۰	۱۵/۵۸	۷/۳۶۲/۴	۱۵/۵۸	۳۷/۸۳۰
۲۰ کره	۵۸۹۶/۹	۱۲/۵۲۰	۵۳/۵۳۸	۲۳/۴۲۳	۱۳/۰۹۷	۵۷/۸۲۱	۱۳/۰۹۷	۵۷/۸۲۱	۲۳/۴۲۳	۱۳/۰۹۷	۵۷/۸۲۱	۲۳/۴۲۳	۱۳/۰۹۷	۵۷/۸۲۱	۲۳/۴۲۳
۲۱ مالوی	۳۰/۵۲۹	۱۱/۵۳۲	۶۱۹/۹	۶۲/۲۸	۱۰/۲۸	۳۰/۵۲۹	۶۱۹/۹	۶۲/۲۸	۱۰/۲۸	۳۰/۵۲۹	۶۱۹/۹	۶۲/۲۸	۱۰/۲۸	۳۰/۵۲۹	۶۱۹/۹
۲۲ فیلیپین	۲۱/۵	۷۲۱/۵	۲۱/۵	۷۲۱/۵	۲۱/۵	۷۲۱/۵	۲۱/۵	۷۲۱/۵	۲۱/۵	۷۲۱/۵	۲۱/۵	۷۲۱/۵	۲۱/۵	۷۲۱/۵	۲۱/۵
۲۳ مجارستان	۶۲/۲۸	۶۱۹/۹	۶۲/۲۸	۶۱۹/۹	۶۲/۲۸	۶۱۹/۹	۶۲/۲۸	۶۱۹/۹	۶۲/۲۸	۶۱۹/۹	۶۲/۲۸	۶۱۹/۹	۶۲/۲۸	۶۱۹/۹	۶۲/۲۸
۲۴ رومانی	۷۵۰/۰۲	۴,۳۲۸	۱۷,۳۲۹	۱۲,۶۰۳,۳۹	۱۸,۶۰۰	۶,۳۱۵/۵	۱۲,۶۰۳,۳۹	۱۸,۶۰۰	۶,۳۱۵/۵	۱۲,۶۰۳,۳۹	۱۸,۶۰۰	۶,۳۱۵/۵	۱۲,۶۰۳,۳۹	۱۸,۶۰۰	۶,۳۱۵/۵
۲۵ ترکیه	۵۰/۷	۵۰/۷	۵۰/۷	۵۰/۷	۵۰/۷	۵۰/۷	۵۰/۷	۵۰/۷	۵۰/۷	۵۰/۷	۵۰/۷	۵۰/۷	۵۰/۷	۵۰/۷	۵۰/۷
۲۶ بحرین	۱۵,۴۷۰	۱۵,۴۷۰	۱۵,۴۷۰	۱۵,۴۷۰	۱۵,۴۷۰	۱۵,۴۷۰	۱۵,۴۷۰	۱۵,۴۷۰	۱۵,۴۷۰	۱۵,۴۷۰	۱۵,۴۷۰	۱۵,۴۷۰	۱۵,۴۷۰	۱۵,۴۷۰	۱۵,۴۷۰
۲۷ مصر	۲۵۴/۸	۶,۹۲۶	۶/۵۶	۷۱۴/۱	۸,۵۷۱	۸,۵۷۱	۸,۵۷۱	۸,۵۷۱	۸,۵۷۱	۸,۵۷۱	۸,۵۷۱	۸,۵۷۱	۸,۵۷۱	۸,۵۷۱	۸,۵۷۱
۲۸ ایران	۲۰۹	۷,۴۲۷	۲۰۹	۷,۴۲۷	۲۰۹	۷,۴۲۷	۲۰۹	۷,۴۲۷	۲۰۹	۷,۴۲۷	۲۰۹	۷,۴۲۷	۲۰۹	۷,۴۲۷	۲۰۹
۲۹ کویت	۴۲۹/۷	۴,۲۷۶/۵	۱۲,۹۵۸	۸۲۸/۳	۱۲,۹۵۸	۸۲۸/۳	۱۲,۹۵۸	۸۲۸/۳	۱۲,۹۵۸	۸۲۸/۳	۱۲,۹۵۸	۸۲۸/۳	۱۲,۹۵۸	۸۲۸/۳	۱۲,۹۵۸
۳۰ یونان	۵۵,۷۲۷	۲۵۴/۲۰	۲۱,۹۲۳	۵	۲۱,۹۲۳	۵	۲۱,۹۲۳	۵	۲۱,۹۲۳	۵	۲۱,۹۲۳	۵	۲۱,۹۲۳	۵	۲۱,۹۲۳
۳۱ سوئد	۵۵,۷۲۷	۲۵۴/۲۰	۲۱,۹۲۳	۵	۲۱,۹۲۳	۵	۲۱,۹۲۳	۵	۲۱,۹۲۳	۵	۲۱,۹۲۳	۵	۲۱,۹۲۳	۵	۲۱,۹۲۳

1. Government Finance Statistics Year Book
Volume IX 1985 International Monetary Fund

2. International Financial Statistics
Year Book English 1986.

ارقام مربوط به ایران نیز از مواخذ فوق اخذ شده است لا و این ارقام الزاماً نباید با ارقام منابع داخلی بخواند. احتیاطاً "شیوه محاسبه ارقام مالیات در منابع خارجی یادشده"

غیر از ارقام قوانین بودجه است که تحت عنوان مالیات آمده است. مرقوم اگر کلیه مبالغ پرداخت شده توسط دولت مالیات تلقی گردد - مالیات به معنای وسیع‌تر است - محاسبه

فوق بر مبنای داخلی نیز رقم دیگری میشود.

درآمد مالیاتی دولت و تفکیک آن به مستقیم و غیر مستقیم

(به میلیارد ریال)

۱۳۶۵	۱۳۶۴	۱۳۶۳	۱۳۶۲	۱۳۶۱	۱۳۶۰	۱۳۵۹	۱۳۵۸	۱۳۵۷	۱۳۵۶	۱۳۵۵	۱۳۵۴	۱۳۵۳	۱۳۵۲	۱۳۵۱	۱۳۵۰	
۱۰۲۲/۶	۱۰۲۳/۷	۹۰۸/۳	۷۸۹/۶	۶۱۳/۹	۵۵۴/۱	۴۲۰/۳	۳۶۸/۳	۴۶۵/۹	۴۴۹/۳	۴۴۷/۳	۲۷۳/۴	۱۵۸/۸	۱۳۴/۶	۱۰۳/۸	۸۲/۹	کل مالیات
-۰/۹	۱۳/۸	۱۵/۰۰	۲۸/۶	۱۰/۸	۶۲/۸	۷/۶	۲۰/۹	۳/۷	۲۹/۴	۲۷/۰	۷۲/۲	۱۹/۸	۲۷/۷	۲۵/۲	۱۷/۸	- رشد سالانه کل مالیات (%)
۵۸۱/۸	۵۳۱/۵	۴۰۶/۱	۳۳۳/۰	۲۶۶/۲	۳۲۱/۹	۱۲۹/۱	۲۲۸/۱	۲۷۱/۷	۲۴۲/۸	۱۸۹/۶	۱۵۳/۰	۷۲/۸	۵۳/۶	۴۲/۵	۳۲/۶	الف - مالیات مستقیم
۹/۵	۳۰/۹	۲۱/۹	۱۲/۲۰	۸/۰	۱۲۹/۱	۴۳/۳	۱۶/۰	۱۶/۷	۲۲/۸	۲۳/۹	۱۱۰/۲	۳۵/۸	۲۶/۱	۳۰/۲	۲۴/۹	- رشد سالانه مالیات مستقیم (%)
۲۲۲/۸	۵۰۴/۱	۵۰۴/۶	۴۵۷/۸	۳۱۸/۵	۲۳۳/۲	۲۱۱/۲	۱۴۰/۲	۱۱۶/۲	۲۱۶/۵	۱۵۷/۷	۱۲۰/۲	۸۶	۷۹	۶۱/۳	۵۰/۲	ب - مالیات غیر مستقیم
۱۱/۷	-۰/۱	۱۰/۰	۴۳/۷	۳۷/۲	۹/۹	۵۰/۶	۲۸/۶	-۹/۳	۲۷/۲	۳۱/۰	۴۰/۰	۸/۷	۲۸/۹	۲۲/۱	۱۳/۸	- رشد سالانه مالیات غیر مستقیم (%)

سهم مالیات مستقیم و غیر مستقیم از کل مالیات به درصد

(%)

۱۳۶۵	۱۳۶۴	۱۳۶۳	۱۳۶۲	۱۳۶۱	۱۳۶۰	۱۳۵۹	۱۳۵۸	۱۳۵۷	۱۳۵۶	۱۳۵۵	۱۳۵۴	۱۳۵۳	۱۳۵۲	۱۳۵۱	۱۳۵۰	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	کل مالیات
۵۶/۵۸	۵۱/۲۳	۴۴/۵۵	۴۲/۰	۴۸/۱	۵۸/۱	۳۷/۹	۶۱/۹	۵۷/۸	۵۱/۸	۵۵/۰	۵۶/۰	۴۵/۸	۴۰/۲	۴۰/۹	۳۹/۴	الف - مالیات مستقیم
۴۳/۴۲	۴۸/۷۷	۵۵/۴۵	۵۸/۰	۵۱/۹	۴۱/۹	۶۲/۱	۳۸/۱	۴۲/۲	۴۸/۲	۴۵/۰	۴۴/۰	۵۴/۲	۵۹/۶	۵۹/۱	۶۰/۶	ب - مالیات غیر مستقیم

مالیات بر شرکتها - وزیر بخش های آن (۱۳۵۰ - ۶۵)

(میلیارد ریال)

۱۳۵۰	۱۳۵۱	۱۳۵۲	۱۳۵۳	۱۳۵۴	۱۳۵۵	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵
۱۵/۳	۲۰/۷	۲۹/۱	۲۵/۳	۱۱۳/۷	۱۱۳/۶	۱۶۱/۳	۲۰۱/۰	۱۴۳/۰	۴۶/۰	۲۲۷/۶	۱۷۴/۱	۲۰۸/۷	۲۵۸/۳	۳۵۸/۷	۴۷۴/۲
۱۷/۷	۲۵/۳	۴۰/۴	۵۵/۰	۱۵۱/۵	۱۴/۰	۲۴/۴	۲۴/۶	۲۸/۸	۶۷/۸	۲۹۴/۸	۲۳/۵	۱۹/۹	۲۳/۸	۳۸/۹	۴/۴
۸/۷	۱۱/۴	۱۷/۲	۲۸/۸	۹۳/۲	۹۹/۴	۱۵۷/۰۰	۱۴۵/۲	۱۰۱/۳	۱۰/۷	۱۸۴/۶	۱۱۳/۹	۱۲۳/۲	۱۱۲/۰	۱۶۲/۰	۱۸۶/۴
۱۱/۵	۳۱/۰	۵۰/۹	۶۷/۴	۲۲۳/۶	۶/۶	۷/۶	۳۵/۷	۳۰/۲	۸۹/۴	۴۵/۲	۳۸/۳	۸/۱	۹۰/۰	۲۴/۶	۱۵/۱
۶/۶	۹/۳	۱۱/۹	۱۶/۴	۲۰/۵	۲۰/۲	۵۴/۳	۵۵/۸	۴۱/۷	۳۵/۳	۴۳/۰	۶۰/۲	۸۵/۵	۱۳۳/۲	۱۶۸/۱	۱۶۹/۰
۲۹/۴	۳۹/۴	۲۹/۳	۳۷/۸	۲۵/۰	۲۶/۸	۸۰/۱	۲/۹	۲۵/۳	۱۵/۶	۲۲/۲	۴۰/۰	۲۲/۰	۵۵/۸	۲۶/۲	۰/۵
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۳/۱	۱۹/۰
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۳۳/۵

مالیات بر شرکتها

رشد سرانه مالیات بر شرکتها (%)

الف - مالیات اشخاص حقوقی دولتی

رشد سالانه مالیات اشخاص حقوقی دولتی (%)

ب - مالیات اشخاص حقوقی غیر دولتی

رشد سالانه مالیات اشخاص حقوقی غیر دولتی (%)

ج - مالیات مراکز تهیه و توزیع کالا

رشد سالانه مالیات مراکز تهیه و توزیع کالا (%)

سهم هر یک از اقلام به گانه فوق در مالیات بر شرکتها به درصد (%)

۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۴۹/۸	۲۵/۲	۴۳/۳	۵۹/۰	۶۵/۲	۸۱/۱	۲۳/۱	۷۰/۸	۷۲/۲	۶۶/۴	۷۶/۷	۸۲/۰	۶۳/۷	۵۹/۱	۵۵/۳	۵۶/۹
۴۵/۱	۴۶/۹	۵۱/۶	۴۱/۰	۳۴/۶	۱۸/۹	۷۶/۹	۲۹/۲	۲۷/۸	۳۳/۶	۲۳/۳	۱۸/۰	۳۶/۴	۴۰/۹	۴۴/۷	۴۳/۱
۵/۱	۷/۹	۵/۱	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-

مالیات بر شرکتها

الف - مالیات اشخاص حقوقی دولتی

ب - مالیات اشخاص حقوقی غیر دولتی

ج - مراکز تهیه و توزیع کالا

مالیات بر درآمد به تفکیک زیر بخش: های آن (۶۵ - ۱۳۵۰)

(میلیارد ریال)

۱۳۵۰	۱۳۵۱	۱۳۵۲	۱۳۵۳	۱۳۵۴	۱۳۵۵	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵
مالیات بر درآمد	۱۳/۱	۱۶/۰	۱۸/۱	۲۰/۶	۲۰/۸	۲۸/۸	۵۸/۶	۵۹/۴	۷۲/۳	۶۵/۹	۷۸/۳	۹۷/۲	۹۰/۸	۱۰۶/۴	۱۶۴/۴
رشد سالانه مالیات بر درآمد (%)	۵۲/۳	۲۲/۱	۱۸/۱	۹/۰	۲۹/۵	۵۸/۴	۲۰/۱	۱/۴	۲۱/۷	-۸/۸	۱۸/۸	۲۴/۱	-۶/۶	۱۷/۲	۲۰/۱
الف - مالیات بر حقوق	۷/۳	۹/۰	۱۱/۰	۱۰/۴	۱۵/۶	۲۶/۸	۴۵/۱	۶۰/۰	۵۱/۶	۵۵/۸	۶۵/۳	۵۸/۹	۷۲/۲	۸۷/۰	۹۳/۶
رشد سالانه مالیات بر حقوق (%)	۲۳/۷	۲۳/۲	۲۲/۲	-۵/۴	۵۰	۷۱/۸	۵۱/۱	۱۱/۳	۲۳/۰	-۱۴	۸/۱	۱۷/۰	-۹/۸	۲۲/۳	۷/۶
ب - مالیات بر مشاغل	۴/۳	۴/۰	۵/۲	۶/۸	۹/۸	۱۴/۵	۱۱/۴	۸/۸	۷/۹	۸/۸	۱۶/۸	۲۱/۶	۲۲/۲	۲۲/۶	۵۵/۲
رشد سالانه مالیات بر مشاغل (%)	۲۲/۶	۲۱/۲	۲۰	۳۰/۷	۴۴/۱	۲۷/۱	-۲۱/۴	-۲۲/۸	-۱۰/۲	۱۲/۶	۸۸/۷	۲۸/۶	۲/۸	۱۰/۸	۲۷/۹
ج - مالیات بر مستغلات	۱/۱	۱/۲	۱/۱	۲/۵	۴/۳	۶/۰	۵/۸	۵/۰	۳/۹	۴/۹	۵/۱	۹/۴	۸/۴	۷/۸	۱۱/۱
رشد سالانه مالیات بر مستغلات (%)	"	۹/۱	۵۸/۳	۳۱/۶	۷۲/۰	۳۹/۵	-۳/۳	-۱۳/۸	-۲۲	۲۵/۶	۴/۱	۸۴/۳	-۱۰/۶	-۷/۱	۵۸/۶
د - مالیات متفرقه درآمد	۱/۴	۱/۸	-۰/۸	-۰/۹	۱/۱	۱/۵	-۰/۹	-۰/۵	-۰/۵	-۰/۴	-۰/۶	-۰/۹	۱/۲	-۰/۸	۲/۳
رشد سالانه مالیات متفرقه درآمد (%)	"	۲۸/۶	-۵۵/۵	۱۲/۵	۲۲/۲	۳۶/۴	-۴۰	-۴۴/۴	۰	-۲۰	۵۰	۵۰	۲۴/۴	-۳۸/۵	۲۰۰

سهم هر یک از اقلام چهارگانه فوق در مالیات بر درآمد به درصد (%)

مالیات بر درآمد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
الف - مالیات بر حقوق	۵۵/۷	۵۶/۲	۵۸/۲	۵۰/۵	۵۰/۷	۵۴/۹	۶۹/۲	۷۵/۹	۸۳/۰	۷۸/۳	۷۱/۳	۶۷/۲	۶۴/۹	۶۸/۸	۶۳/۵
ب - مالیات بر مشاغل	۲۵/۲	۲۵	۲۷/۵	۲۳/۰	۳۱/۸	۲۹/۷	۱۹/۴	۱۴/۹	۱۰/۹	۱۳/۵	۲۱/۴	۲۲/۲	۲۴/۴	۲۲/۱	۲۴/۶
ج - مالیات بر مستغلات	۸/۴	۷/۵	۱۰/۰	۱۲/۱	۱۳/۹	۱۲/۳	۹/۹	۸/۴	۵/۴	۷/۵	۶/۵	۹/۷	۹/۲	۷/۳	۸/۱
د - مالیات متفرقه درآمد	۱۰/۷	۱۱/۳	۴/۳	۳/۶	۳/۱	۱/۵	-۰/۸	-۰/۷	-۰/۶	-۰/۸	-۰/۹	۱/۲	۱/۴	-۰/۸	-۰/۶

مالیات بر ثروت

۱۳۵۰	۱۳۵۱	۱۳۵۲	۱۳۵۳	۱۳۵۴	۱۳۵۵	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵
مالیات بر ثروت															
۴/۲	۵/۸	۵/۶	۷/۰	۸/۵	۱۱/۲	۱۲/۹	۱۱/۳	۱۲/۸	۱۷/۲	۱۶/۰	۲۴/۸	۲۳/۵	۴۱/۴	۳۵/۹	۴۳/۰
رشد سالانه مالیات بر ثروت (%)															
۳۸۰	۳۸/۱	۳۲/۴	۲۵	۲۸/۴	۳۱/۸	۱۵/۲	۱۲/۴	۱۳/۳	۳۵/۱	۷/۵	۵۵	۳۵/۱	۲۳/۶	۱۳/۳	۱۹/۸
الف - مالیات بردرآمد اتفاقی															
۰/۲۰	۰/۲۴	۰/۱۵	۰/۹	۰/۳۲	۰/۲۵	۰/۲۹	۰/۲۶	۰/۳۳	۰/۱۵	۰/۰۳	۰/۰۷	۰/۰۵	۰/۰۸	۰/۱۷	۰/۳۹
رشد سالانه مالیات بردرآمد اتفاقی (%)															
-	۱۷/۵	۳۵/۲	۳۸/۸	۲۴۱/۳	۳۹/۵	۹/۸	۴۷/۲	۸۸/۷	۴۱۹/۲	۸۰/۶	۴۲/۸	۱۱۳/۹	۷۱/۵	۱۰۲/۶	۱۲۶
ب - مالیات بر اراث															
۰/۶۶	۰/۹۸	۱/۳۶	۱/۲۱	۱/۳۵	۱/۹۱	۲/۲۲	۱/۵۳	۱/۵۳	۳/۱۷	۴/۷۶	۵/۸۳	۶/۷۹	۸/۳۹	۹/۱۹	۹/۱۹
رشد سالانه مالیات بر اراث (%)															
-	۴۹/۳	۲۹/۱	۱۱/۰	۱۱/۳	۴۱/۲	۱۶/۴	۳۰/۹	۰/۵	۴۵/۶	۴۲/۶	۵۰/۲	۲۲/۴	۱۶/۵	۲۳/۶	۱۹/۰
ج - مالیات بر نقل و انتقالات و سرقفلی															
۳/۱۸	۴/۲۷	۳/۷۶	۵/۱۸	۶/۳۷	۸/۱۵	۹/۶۵	۹/۰۵	۱۱/۰۱	۱۴/۷۸	۱۲/۷۷	۱۹/۹۵	۲۷/۲۸	۳۴/۲۴	۳۷/۰۲	۳۲/۲۳
رشد سالانه مالیات بر نقل و انتقالات و سرقفلی (%)															
-	۳۷/۴	۱۳/۹	۳۷/۸	۲۲/۹	۲۷/۹	۱۸/۵	۶/۳	۲۱/۷	۳۴/۲	۱۳/۵	۵۶/۱	۳۷/۸	۲۴/۶	۲۱/۱	۲۰
د - مالیات بر اراضی بایسر															
۰/۱۱	۰/۲۴	۰/۳۴	۰/۴۹	۰/۴۸	۰/۶۹	۰/۵۲	۰/۴۰	۰/۲۳	۰/۱۷	۰/۰۴	۰/۰۷	۰/۱۵	۰/۲۲	۰/۳۱	۰/۱۹
رشد سالانه مالیات بر اراضی بایسر (%)															
-	۱۱۰	۴۱/۴	۴۴/۷	۱/۷	۴۲/۲	۲۴/۲	۲۳/۱	۴۱/۹	۲۶/۲	۷۴/۷	۵۵/۶	۱۲۳/۸	۴۸/۶	۳۷/۷	۳۸/۷
سهم هر یک از اقلام چهارگانه فوق در مالیات بر ثروت به درصد (%)															
مالیات بر ثروت															
۴/۸	۴/۱	۲/۷	۱/۳	۳/۸	۴/۰	۳/۸	۲/۳۰	۰/۲	۰/۹	۰/۲	۰/۳	۰/۰۰۱	۰/۲۰	۰/۵	۰/۹
الف - مالیات بردرآمد اتفاقی															
۱۵/۸	۱۶/۸	۲۴/۳	۱۷/۴	۱۵/۸	۱۷/۱	۱۷/۲	۱۳/۶	۱۱/۹	۱۲/۸	۱۹/۸	۱۹/۱	۱۷/۲	۱۶/۵	۲۳/۴	۲۳/۲
ب - مالیات بر اراث															
۷۶/۶	۷۵/۰	۶۶/۹	۷۴/۲	۷۴/۷	۷۲/۸	۷۲/۹	۸۰/۵	۸۶/۱	۸۵/۳	۲۹/۷	۸۰/۳	۸۲/۱	۸۲/۸	۷۵/۳	۷۵/۴
ج - مالیات بر نقل و انتقالات و سرقفلی															
۲/۸	۴/۱	۶/۱	۵/۷	۶/۱	۴/۱	۳/۶	۱/۸	۱/۰	۰/۳	۰/۳	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۸	۰/۵
د - مالیات اراضی بایسر															

۱۳۶۵	۱۳۶۴	۱۳۶۳	۱۳۶۲	۱۳۶۱	۱۳۶۰	۱۳۵۹	۱۳۵۸	۱۳۵۷	۱۳۵۶	۱۳۵۵	۱۳۵۴	۱۳۵۳	۱۳۵۲	۱۳۵۱	* ۱۳۵۰	
۱۶۱۲۱/۷	۵۴-۵/۸	۱۵۴۹/۶	۲۷۲۹/۵	۱۰۳۵۶/۳	۸۳۲۲/۹	۶۲۹۸/۹	۶۱۰۶/۳	۵۱۰۳/۲	۵۵۸۱/۲	۲۶۹۶/۹	۳۵۱۲/۱	۳۰۸۹/۹	۱۷۶۳/۸	۱۲۰۸/۳	۹۶۹/۰	تولید ناخالص داخلی
۵/۳	۱/۸	۹/۳	۲۷/۸	۲۹/۲	۳۲/۱	۳/۱	۱۹/۷	-۸/۶	۱۸/۸	۳۳/۷	۱۳/۷	۷۵/۲	۲۶/۰	۲۲/۷	۲۵/۶	رشد سالانه تولید ناخالص داخلی (%)
۱۰۲۲/۶	۳۰۲۳/۷	۹۰۸/۳	۷۸۹/۶	۶۱۳/۹	۵۵۲/۱	۳۴۰/۳	۳۶۸/۳	۲۶۵/۹	۲۲۹/۳	۳۲۷/۳	۲۷۲/۴	۱۵۸/۸	۱۳۲/۶	۱۰۳/۸	۸۲/۹	درآمد های مالیاتی دولت
-۰/۹	۱۳/۸	۱۵/۰	۲۸/۶	۱۰/۸	۶۲/۸	-۷/۶	-۲۰/۹	۳/۷	۲۹/۴	۲۷/۰	۷۲/۲	۱۹/۸	۲۷/۷	۲۵/۲	۱۷/۸	رشد سالانه درآمدهای مالیاتی دولت (%)
۵۸۱/۸	۵۳۱/۵	۲۰۶/۱	۳۳۳/۰	۲۹۶/۱	۳۲۱/۹	۱۲۹/۲	۲۲۸/۱	۲۷۱/۷	۲۳۲/۸	۱۸۹/۶	۱۵۳/۰	۷۲/۸	۵۳/۶	۲۲/۵	۳۲/۶	مالیاتهای مستقیم
۹/۵	۳۰/۹	۲۱/۹	۱۲/۲	-۸/۰	۱۲۹/۱	-۴۳/۲	۱۶/۰	۱۶/۷	۲۲/۸	۲۳/۹	۱۱۰/۲	۳۵/۸	۲۶/۱	۳۰/۲	۲۴/۹	رشد سالانه مالیاتهای مستقیم (%)
۲۲۲/۸	۵۰۲/۱	۵۰۳/۶	۲۵۷/۸	۳۱۸/۵	۲۳۲/۲	۲۱۱/۱	۱۲۰/۲	۱۹۶/۲	۲۱۶/۵	۱۵۷/۷	۱۲۰/۲	۸۶/۰	۷۹/۰	۶۱/۳	۵۰/۲	مالیاتهای غیر مستقیم
۱۱/۷	۷۱۰	۱۰/۰	۲۳/۷	۳۷/۲	۹/۹	۵۰/۶	-۲۸/۶	-۹/۳	۳۷/۳	۳۱/۰	۴۰/۰	۸/۹	۲۸/۹	۲۲/۱	۱۳/۸	رشد سالانه مالیاتهای غیر مستقیم (%)



نسبت مالیاتی حقیقی در ایران

۱۳۶۵ - ۱۳۳۸

نسبت مالیاتی (درصد)	تولید ناخالص داخلی (میلیارد ریال)	درآمدهای مالیاتی (میلیارد ریال)	سال
۵/۹	۲۸۱/۴	۱۶/۶	۱۳۳۸
۶/۲	۳۰۱/۰	۱۸/۸	۱۳۳۹
۵/۷	۳۱۳/۶	۱۸/۰	۱۳۴۰
۵/۲	۳۳۴/۶	۱۷/۴	۱۳۴۱
۶/۰	۳۴۵/۱	۲۰/۶	۱۳۴۲
۶/۱	۳۷۸/۱	۲۳/۱	۱۳۴۳
۶/۷	۴۲۶/۸	۲۸/۶	۱۳۴۴
۷/۵	۴۶۴/۶	۳۴/۷	۱۳۴۵
۷/۶	۵۱۶/۱	۳۹/۰	۱۳۴۶
۸/۶	۵۷۸/۶	۴۹/۷	۱۳۴۷
۹/۴	۶۴۲/۶	۶۰/۶	۱۳۴۸
۹/۹	۷۱۳/۵	۷۰/۶	۱۳۴۹
۹/۲	۹۰۲/۷	۸۲/۶	۱۳۵۰
۸/۸	۱۱۳۰/۲	۹۹/۴	۱۳۵۱
۷/۸	۱۶۷۸/۸	۱۳۱/۲	۱۳۵۲
۵/۲	۳۰۲۶/۳	۱۵۷/۸	۱۳۵۳
۷/۹	۳۴۳۲/۳	۲۷۰/۸	۱۳۵۴
۷/۵	۴۵۷۰/۶	۳۴۲/۹	۱۳۵۵
۷/۷	۵۷۶۲/۴	۴۴۲/۶	۱۳۵۶
۸/۷	۵۳۵۴/۴	۴۶۶/۰	۱۳۵۷
۵/۸	۶۳۳۷/۸	۳۶۸/۳	۱۳۵۸
۵/۰	۶۷۵۸/۹	۳۴۰/۴	۱۳۵۹
۶/۷	۸۲۱۸/۸	۵۵۴/۱	۱۳۶۰
۵/۸	۱۰۶۲۱/۵	۶۱۳/۹	۱۳۶۱
۵/۹	۱۳۴۷۱/۳	۷۹۶/۵	۱۳۶۲
			۱۳۶۳
			۱۳۶۴
			۱۳۶۵

مالیات مستقیم به تفکیک زیر بخش های آن (۱۳۶۵ - ۱۳۵۰)

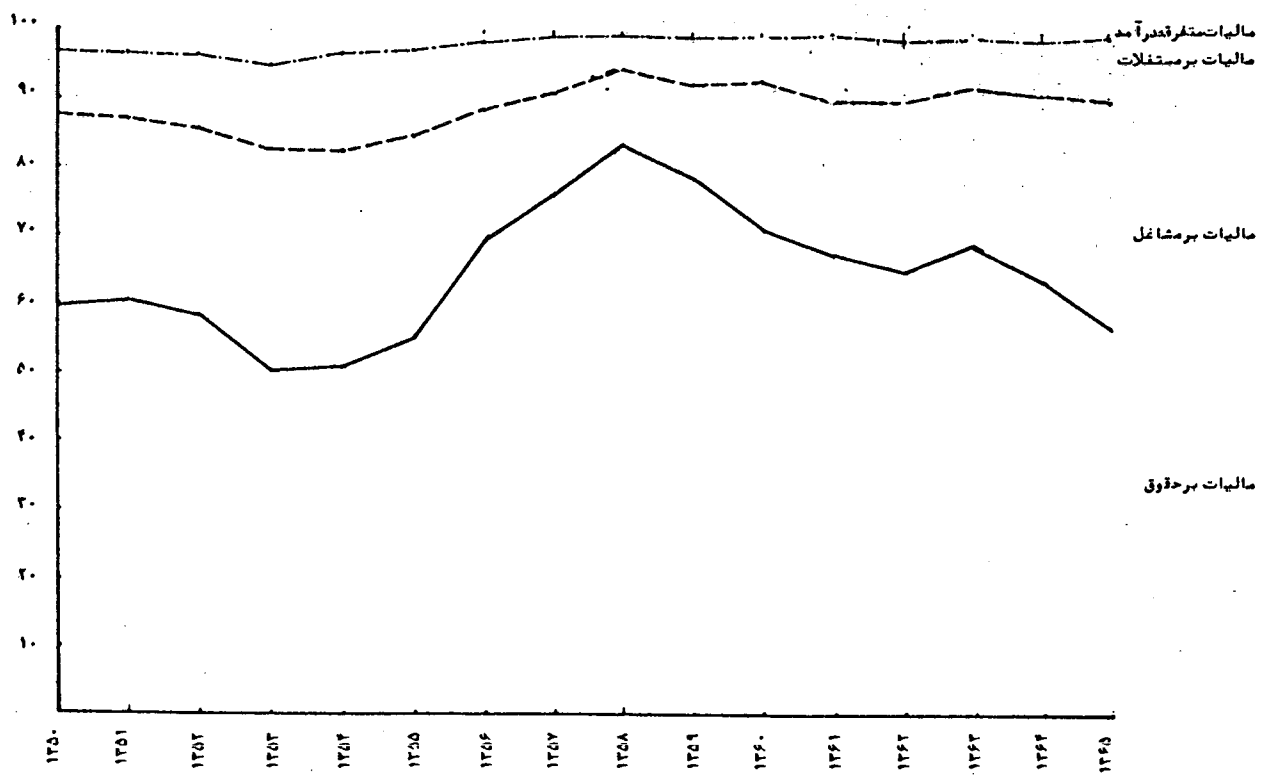
(میلیارد ریال)

۱۳۶۵	۱۳۶۴	۱۳۶۳	۱۳۶۲	۱۳۶۱	۱۳۶۰	۱۳۵۹	۱۳۵۸	۱۳۵۷	۱۳۵۶	۱۳۵۵	۱۳۵۴	۱۳۵۳	۱۳۵۲	۱۳۵۱	۱۳۵۰	
۵۸۱/۸	۵۳۱/۵	۴۰۶/۱	۳۳۳/۰	۳۱۶/۱	۳۲۱/۹	۳۱۹/۲	۳۲۸/۱	۳۷۱/۷	۳۳۲/۸	۱۸۹/۶	۱۵۳/۰	۷۲/۸	۵۳/۶	۴۴/۵	۳۲/۶	مالیات مستقیم
۹/۵	۳۰/۹	۲۱/۹	۱۲/۴	-۸/۰	۱۴۹/۱	-۴۳/۳	-۱۶/۰	۱۶/۷	۲۲/۸	۲۳/۹	۱۱۰/۲	۳۵/۸	۲۶/۱	۳۰/۴	۴۴/۹	رشد سالانه مالیات مستقیم (%)
۷۲/۴	۳۵۸/۷	۳۵۸/۳	۳۰۸/۲	۱۷۴/۱	۲۲۷/۶	۲۶/۰	۱۴۳/۰	۲۰۱/۰	۱۶۱/۳	۱۲۹/۶	۱۱۳/۷	۳۵/۲	۲۹/۱	۲۰/۷	۱۵/۳	الف - مالیات بر شرکتها
۴/۴	۳۸/۹	۲۳/۸	۱۹/۹	-۳۳/۵	۳۹۴/۸	-۳۷/۸	-۲۸/۸	۲۴/۶	۲۴/۴	۱۴/۰	۱۵۱/۵	۵۵/۳	۴۰/۶	۳۵/۳	۱۷/۷	رشد سالانه مالیات بر شرکتها (%)
۱۶۴/۴	۱۳۶/۹	۱۰۶/۴	۹۰/۸	۹۷/۲	۷۸/۳	۶۵/۹	۷۲/۳	۵۹/۲	۵۸/۶	۴۸/۸	۳۰/۸	۲۰/۶	۱۸/۹	۱۶/۰	۱۳/۱	ب - مالیات بر درآمد
۲۰/۱	۳۸/۷	۱۷/۲	۳/۶	۲۴/۱	۱۸/۸	-۸/۸	۲۱/۷	۱/۴	۲۰/۱	۵۸/۴	۴۹/۵	۹/۰	۱۸/۱	۲۲/۱	۵۲/۳	رشد سالانه مالیات بر درآمد (%)
۴۳/۰	۳۵/۹	۴۱/۴	۳۳/۵	۲۴/۸	۱۶/۰	۱۷/۳	۱۲/۸	۱۱/۳	۱۲/۹	۱۱/۲	۸/۵	۷/۰	۵/۶	۵/۸	۴/۲	ج - مالیات بر ثروت
۱۹/۸	-۱۳/۳	۲۳/۶	۳۵/۱	۵۵/۰	-۷/۵	۳۵/۱	۱۳/۳	-۱۲/۴	۱۵/۲	۳۱/۸	۲۱/۴	۲۵/۰	-۳/۲	۳۸/۱	۳۸۰	رشد سالانه مالیات بر ثروت (%)

سهم هر یک از اقلام سه گانه فوق در مالیات مستقیم به درصد (%)

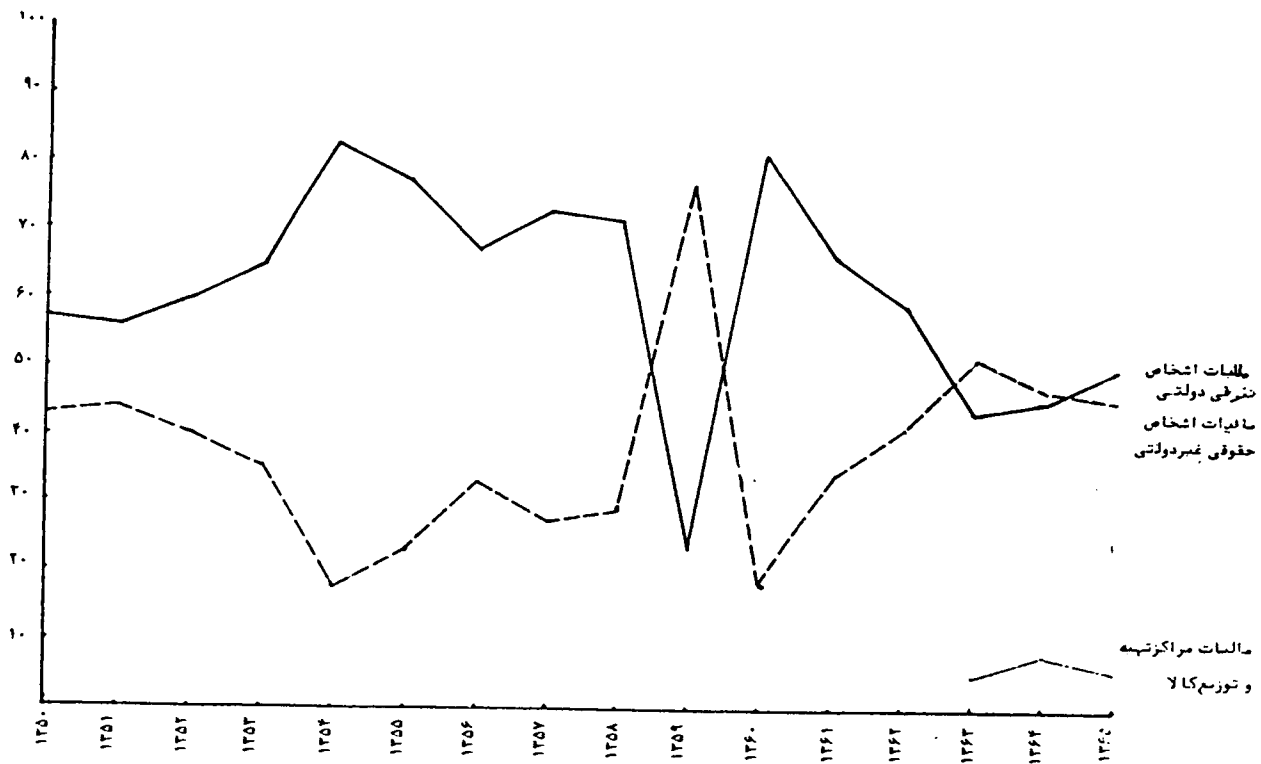
مالیات مستقیم	الف - مالیات بر شرکتها	ب - مالیات بر درآمد	ج - مالیات بر ثروت
۱۰۰	۲۶/۹	۴۰/۲	۱۲/۹
۱۰۰	۴۸/۷	۳۷/۶	۱۳/۷
۱۰۰	۵۴/۳	۳۵/۳	۱۰/۲
۱۰۰	۶۲/۱	۲۸/۳	۹/۶
۱۰۰	۷۲/۳	۲۰/۱	۵/۷
۱۰۰	۶۸/۳	۲۵/۷	۶/۰
۱۰۰	۶۹/۳	۲۵/۲	۵/۵
۱۰۰	۷۲/۰	۳۱/۷	۲/۱
۱۰۰	۶۲/۷	۵۱/۰	۵/۶
۱۰۰	۳۵/۶	۵۱/۰	۱۳/۴
۱۰۰	۷۰/۷	۲۴/۳	۵/۰
۱۰۰	۵۸/۸	۲۲/۸	۸/۲
۱۰۰	۶۲/۷	۲۷/۲	۱۰/۰
۱۰۰	۶۲/۵	۲۶/۲	۱۰/۲
۱۰۰	۶۴/۳	۲۸/۲	۷/۲

نمودار سهم اجزاء چهارگانه مالیات بر درآمد در سالهای ۱۳۵۰ - ۱۳۶۵

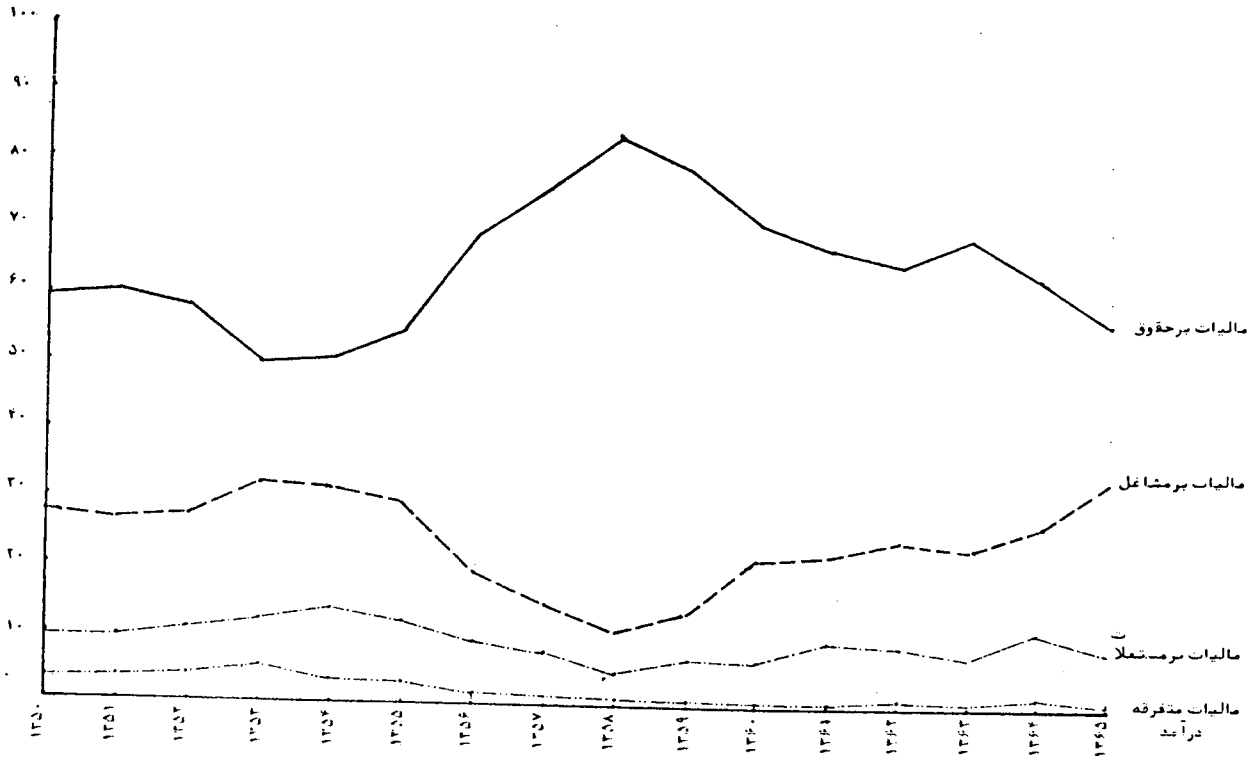


نمودار اجزاء مالیات در شرکت پارسالهای ۱۳۵۰ - ۱۳۶۵

در



نمودار اجزاء چهار گانه مالیات بر درآمد در سالهای ۱۳۵۰ - ۱۳۶۵



نمودار اجزاء چهارگانه مالیات برشروع در سالهای ۱۳۵۰ - ۱۳۶۵

۱۰۰
۹۰
۸۰
۷۰
۶۰
۵۰
۴۰
۳۰
۲۰
۱۰

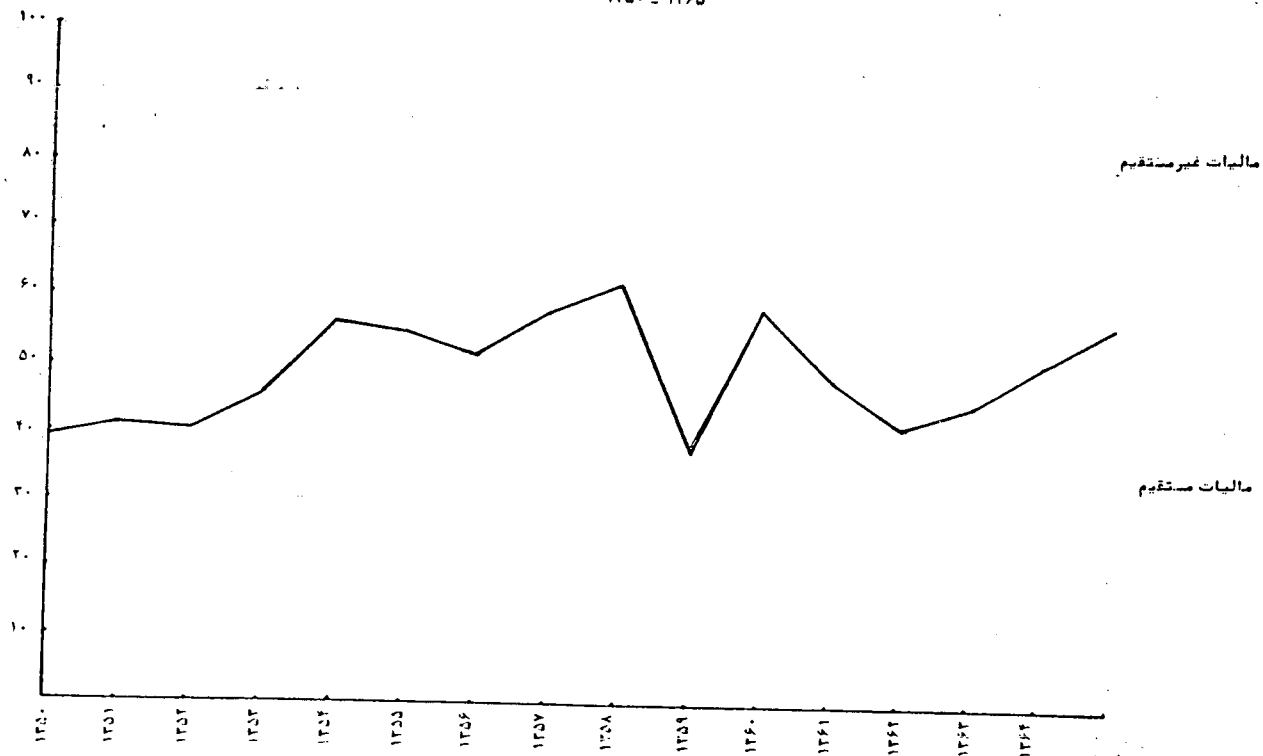
مالیات برتنقل و
انتقالات و سرقه‌لی

مالیات درارث

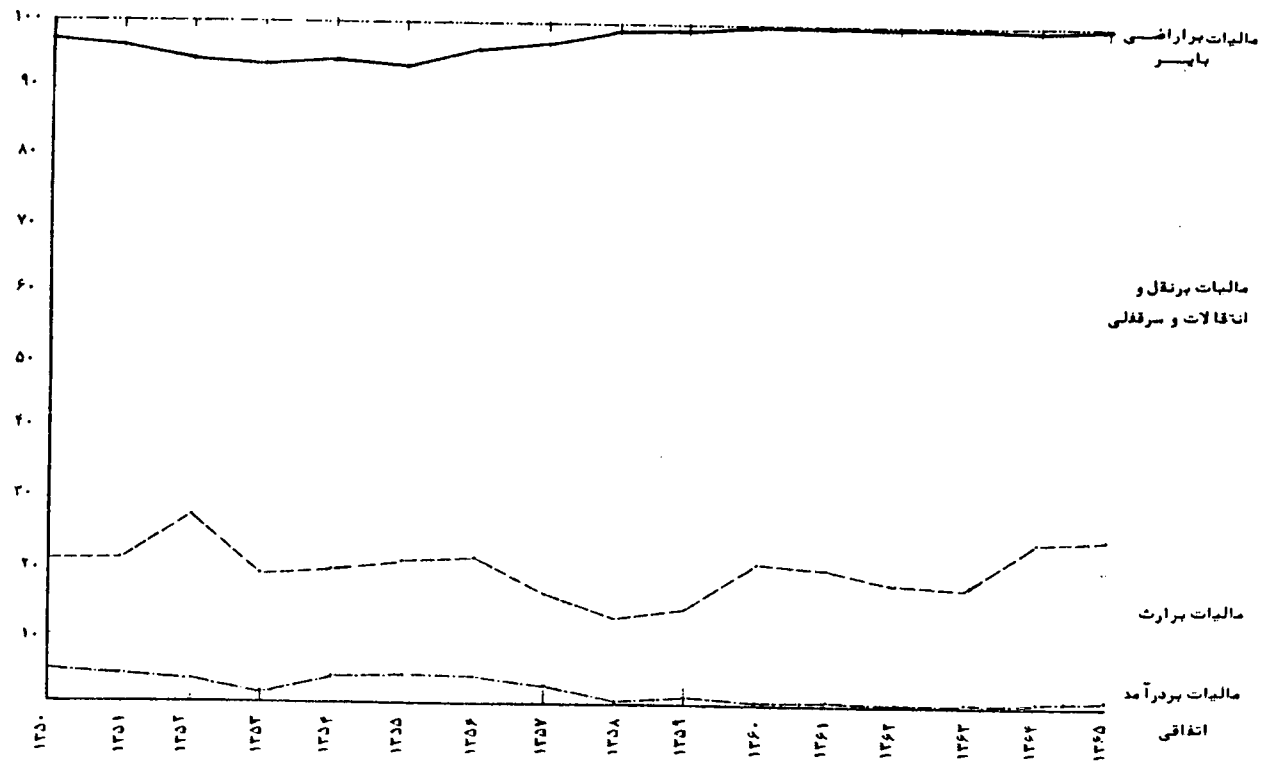
مالیات بر درآمد
انتفاعی
مالیات براراضی
سایر
۱۳۶۵

۱۳۵۰ ۱۳۵۱ ۱۳۵۲ ۱۳۵۳ ۱۳۵۴ ۱۳۵۵ ۱۳۵۶ ۱۳۵۷ ۱۳۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴

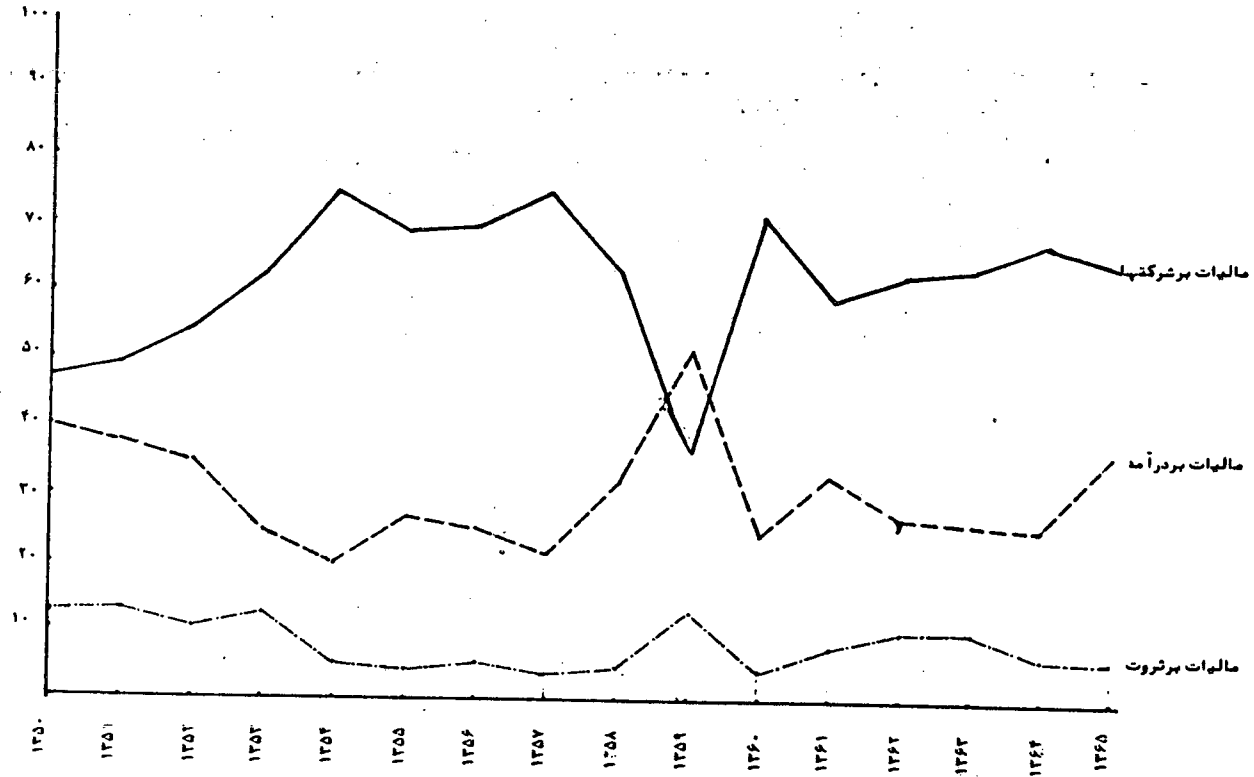
نمودار سهم مالیات مستقیم و غیرمستقیم در کل مالیات در سالهای
۱۳۵۰ - ۱۳۶۵



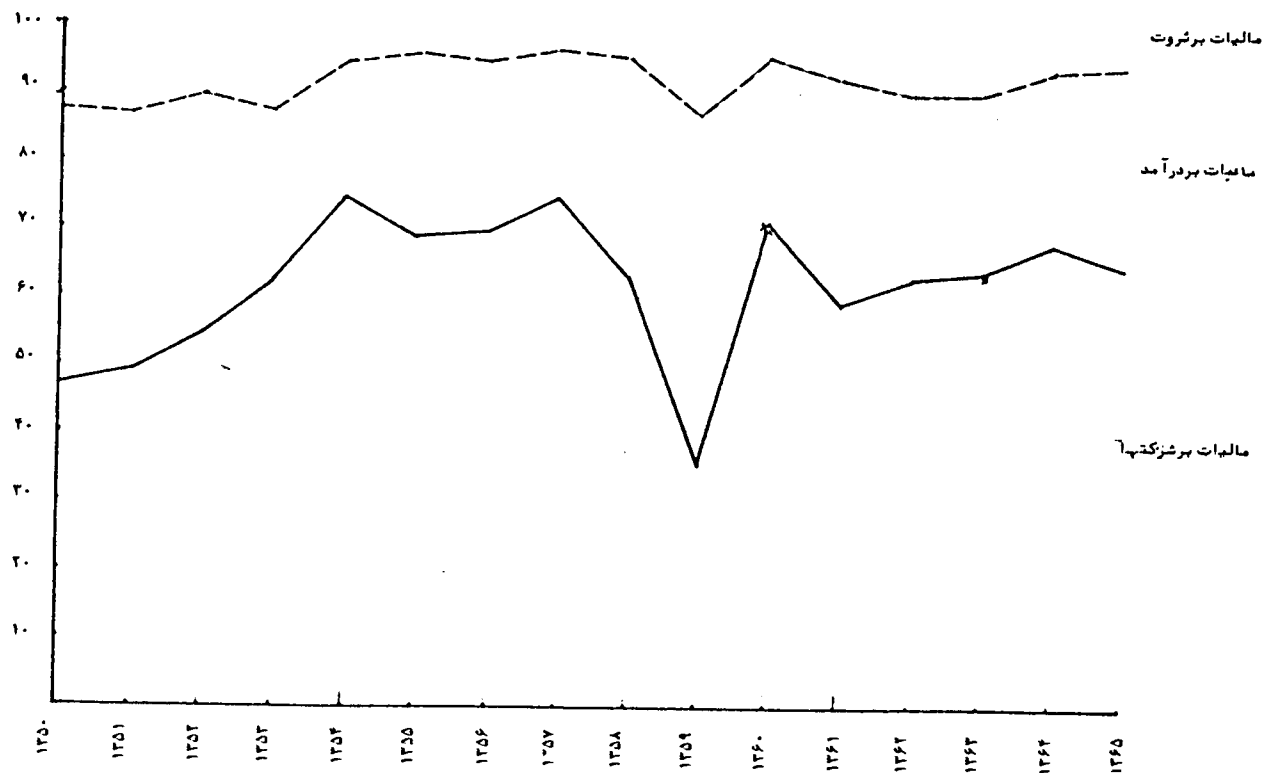
نمودار سهم اجزاء چهارگانه مالیهات بر شرف در سالهای ۱۳۵۰ - ۱۳۶۵



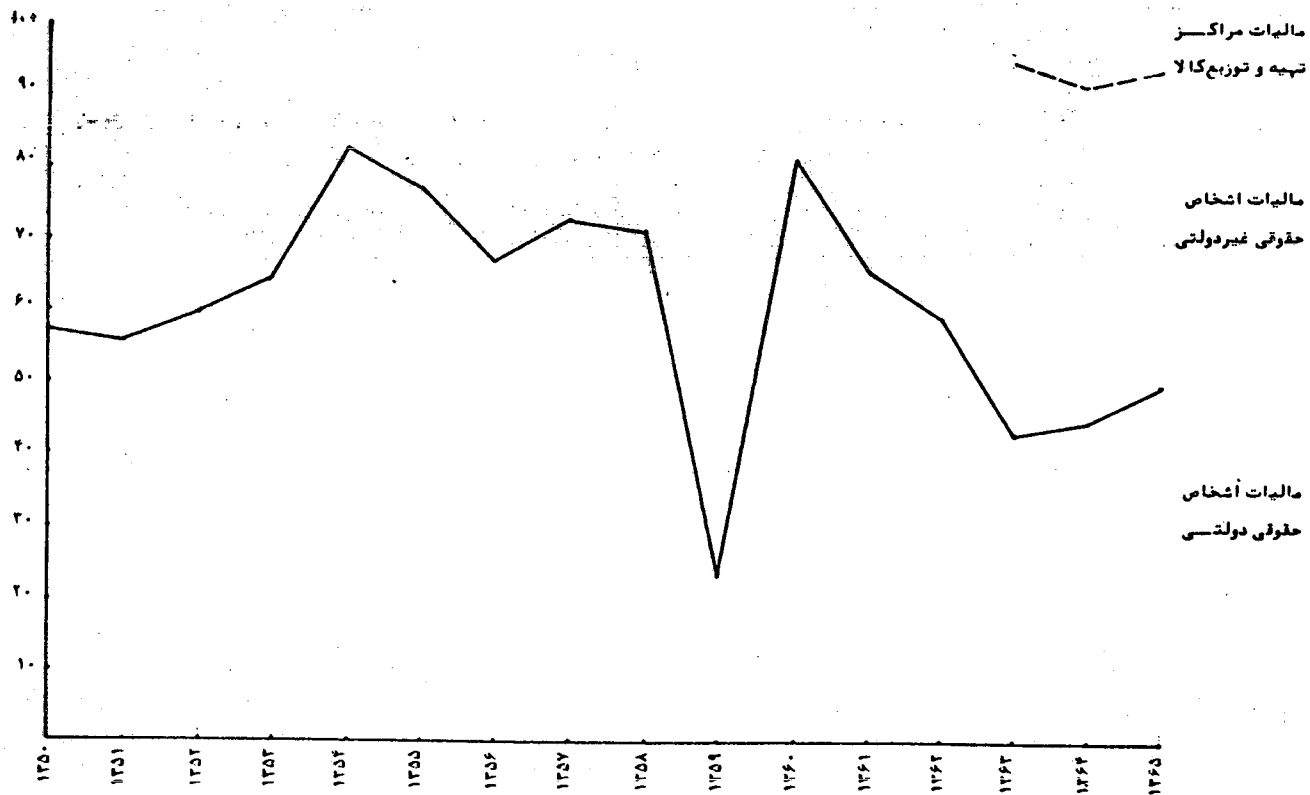
نمودار اجزای سه گانه مالیات مستقیم در سالهای ۱۳۵۰ - ۱۳۶۵



نمودار سهم اجزاء سه گانه مالیات مستقیم در - الهای ۱۳۶۵ - ۱۳۵۰



نمودار سهم اجزاء مالیات بر شرکتها در سالهای ۱۳۵۰ - ۱۳۶۵



نمودار مالیات مستقیم و غیرمستقیم در سالهای ۱۳۵۰ - ۱۳۶۵

